



بوروکراسی علیه تولید



حکمرانی زمین‌محور یا دریامحور؟

پژمان جوزی
رئیس انجمن صنعت ساختمان

ایران با داشتن حدود ۵هزار کیلومتر مرز ساحلی، کم‌ترین استفاده از سواحلش را دارد. ۲۰درصد جمعیت جهان در ۲۵کیلومتری دریاها زندگی می‌کنند و ۴۰ درصد جمعیت جهان در فاصله ۱۰۰کیلومتری و ۶۰درصد کلان‌شهرها در سواحل دریاها یا نزدیکی سواحل مستقر هستند، همچنین هشت شهر از شهرهای پرجمعیت جهان (توکیو، شانگهای، بمبئی، نیویورک، جاکارتا، قاهره، ریودوژانیرو...) در کنار آنها هستند و نوار ساحلی اروپا ۲۰۵میلیون نفر جمعیت را به خود جذب کرده‌است، اما متأسفانه در ایران، استان‌های ساحلی در شمال و جنوب کشور با ۵هزار کیلومتر نوار ساحلی تنها ۳درصد جمعیت کشور را به خود جذب کرده، درحالی‌که باید بیش از هشت تا ۱۰درصد از جمعیت کشور آنجا سکونت داشته‌باشند. حکمرانی در ایران بر مبنای فعالیت‌های زمین محور بوده و این امر با توجه به اقلیم کشور به ما آسیب زده و خواهد زد، بنابراین باید به سمت دریامحورشدن حرکت کنیم و از مرکز کشور به سمت کرانه‌ها و پس‌کرانه‌ها در شمال و به‌ویژه به سمت جنوب کشور حرکت کنیم. تأکید مقام‌معلم رهبری در آبان ماه ۱۴۰۲ بر اقتصاد دریامحور و ابلاغ سیاست‌های کلی آن نیز بر مبنای درک همین موضوع بوده‌است که کشوری همچون ایران باید از سمت فلات مرکزی ایران به سمت سواحل حرکت کرده و سرمایه‌گذاری در جنوب کشور و به‌ویژه جزایر جنوبی را گسترش دهد.

این واقعیت انکارناپذیری است که اقتصاد دریمحور یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه در جهان امروز است. بسیاری از کشورها با استفاده از ظرفیت‌های گسترده دریاها و سواحل، توانستند مسیر رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی خود را متحول کنند. ایران نیز با داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، سواحل طولانی در جنوب و شمال کشور و دسترسی به آب‌های آزاد، پتانسیل بالایی برای توسعه اقتصاد دریمحور دارد. بررسی مزایا و آثار این نوع اقتصاد می‌تواند مسیر آینده توسعه کشور را روشن‌تر کند.

یکی از چالش‌های اصلی اقتصاد ایران که در تلاش است از آن رهایی یابد، وابستگی شدید به صادرات نفت و گاز است. توسعه اقتصاد دریمحور می‌تواند این وابستگی را کاهش دهد و زمینه تنوع اقتصادی را فراهم کند. فعالیت‌هایی مانند شیلات، پرورش آب‌زیان، حمل‌ونقل، صنایع کشتی‌سازی و استخراج منابع دریایی، به‌ویژه گردشگری و جاذبه‌های گردشگری موجود در سواحل و جزایر جنوبی ایران می‌توانند جایگزین‌های مناسبی برای درآمدهای نفتی باشند.

بخش دریمحور ظرفیت زیادی برای ایجاد شغل در حوزه‌های مختلف دارد. از میبادی و فراوری محصولات دریایی گرفته تا خدمات بندری، حمل‌ونقل بین‌المللی، گردشگری ساحلی و صنایع وابسته، فرصت‌های شغلی فراوانی در این حوزه وجود دارد. توسعه این فعالیت‌ها به‌ویژه می‌تواند موجب رونق اقتصادی در استان‌های ساحلی مانند هرمزگان، بوشهر، سیستان و بلوچستان و مازندران باشد.

اگرچه تحریم‌ها ضربه مهمی به نقش ایران در اتصال کریدورهای جهانی زده است اما نمی‌توان انکار کرد که ایران در مسیر یکی از مهم‌ترین مسیرهای تجارت جهانی قرار دارد. با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های بندری و دریایی، ایران می‌تواند نقش کلیدی‌تری در ترانزیت کالا بین شرق و غرب ایفا کند. بنادر استراتژیکی چون چابهار، بندرعباس و انزلی، در صورت توسعه و مدیریت کارآمد، می‌توانند به مراکز بزرگ تجاری منطقه تبدیل شوند و جایگاه ایران را در تجارت جهانی ارتقا دهند. در حال حاضر بنادر ایران بیش از ۵۰همت (۵۰ هزارمیلیارد تومان) سرمایه‌گذاری نیاز دارند تا به یک رشد قابل‌قبول برسند. اقتصاد دریمحور موجب آبادانی و رشد مناطق ساحلی می‌شود. ایجاد صنایع، بنادر، شهرک‌های صنعتی و مراکز گردشگری در سواحل، می‌تواند به بهبود سطح زندگی مردم محلی کمک کرده و از مهاجرت به شهرهای بزرگ جلوگیری کند. این مساله همچنین باعث توزیع متعادل‌تر جمعیت و منابع در کشور خواهد شد.

توجه به گردشگری و تأسیس هتل‌های لوکس پنج‌ستاره اگرچه نیاز به سرمایه‌گذاری‌های هنگفت دارد اما می‌تواند موجب اشتغال پایدار در مناطق جنوبی کشور شود، چراکه اشتغال ایجاد شده برای هتل‌ها با هدف ترکیبی (تجاری، مسکونی و هتل) اشتغال پایدار بوده و هر هتل با ظرفیت حدودی ۱۵۰ نفر حدود ۵۰۰ شغل پایدار ایجاد می‌کند. بارها گفته و نوشته‌ام که مرز امن، مرز آباد است. توسعه اقتصادی در مناطق ساحلی علاوهبر منافع مالی، پیامدهای امنیتی مهمی نیز دارد. حضور فعال اقتصادی و انسانی در سواحل جنوبی و شمالی، موجب افزایش کنترل و حفاظت از مرزهای آبی می‌شود. این امر توان دفاعی و ژئواستراتژیک کشور را تقویت کرده و حضور ایران را در آب‌های بین‌المللی تثبیت می‌کند. بنابراین اقتصاد دریمحور و توجه به گسترش و رشد جمعیتی در کنار سواحل به‌ویژه سواحل جنوبی و جزایر ایرانی، برای کشوری مانند ایران نه‌تنها یک فرصت، بلکه ضرورتی استراتژیک است.

استفاده از ظرفیت‌های درسیای می‌تواند موجب تنوع اقتصادی، رفع نگرانی از بحران کم‌آبی و کم‌بارشی، افزایش اشتغال، توسعه مناطق محروم، ارتقای جایگاه بین‌المللی و تقویت امنیت ملی شود. تحقق این هدف نیازمند برنامه‌ریزی دقیق، سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، آموزش نیروی انسانی متخصص و همکاری میان بخش‌های دولتی و بخش خصوصی به‌ویژه توسعه‌گران است.

در صورت توجه جدی به این حوزه، اقتصاد دریمحور می‌تواند به یکی از موتورهای اصلی رشد پایدار ایران در آینده نه‌چندان دور تبدیل شود.

۹میلیارد دلار در مسیری بازده خودرو

نگاهی به شاکله اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری...

صفحه ۲

تشکیک در آمار تورسم

ارشک مسائلی، کارشناس گردشگری، در گفت‌وگو با اشاره به ضعف نظام آماری و حساب‌های اقماری گردشگری...

صفحه ۴

اما واگرهای خصوصی سازی گمرک

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی...

صفحه ۶

بوروکراسی علیه تولید

کریم حسن پور – فعالیت‌های تولیدی و صنعتی نقش محوری در توسعه اقتصادی و ایجاد اشتغال در هر کشور ایفا می‌کنند. بسیاری از دولت‌ها برای تقویت این بخش، مشوق‌ها و حمایت‌های ویژه‌ای در نظر می‌گیرند.

اقتصادی رسمی برداشته شود.

او درباره راهکارهای اصلاح نظام مالیاتی و بیمه‌ای تصریح کرد: یکی از موضوعات مهم، ضرورت بازبینی مقررات در سازمان‌هاست. سازمان تامین اجتماعی در سال‌های اخیر در این زمینه گام‌های مثبتی برداشته و بخش قابل‌توجهی از مقررات خود را که با یکدیگر در تضاد یا تناقض بودند یا باعث کندی اجرا می‌شدند، مورد بازبینی قرار داده است. همین اقدام باید در سازمان امور مالیاتی نیز انجام شود تا قوانین و آیین‌نامه‌هایی که با هم هم‌پوشانی یا تعارض دارند، بپاییش و یکپارچه شوند. در حال حاضر حجم مقررات و آیین‌نامه‌ها بسیار بالاست و در بسیاری موارد پیچیدگی آن مانع اجرای درست قانون می‌شود. هدف باید این باشد که قوانین از حالت مچ‌گیرانه خارج شده و به سمت خوداظهاری و شفافیت پیش بروند.

ماده ۹۷: گامی به‌سوی شفافیت

عباس جبالبارزی، عضو کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «فنیای اقتصاد» درباره وضعیت اخذ مالیات از واحدهای صنعتی توضیح داد: موضوع مالیات چارچوب مشخص خود را دارد. بر اساس قانون، واحدهای تولیدی و صنعتی موظفند ۲۰ درصد از سود خود را به عنوان مالیات بر عملکرد پرداخت کنند. همچنین در بخش مالیات ارزش افزوده، این واحدها صرفاً نقش وصول‌کننده را دارند و ۱۰ درصد مالیات را از خریداران دریافت می‌کنند. نظام مالیاتی ایران، برخلاف بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه، هنوز ممیزمحور است و در آن کشورها نظام مالیاتی مبتنی بر ریسک اجرا می‌شود. به این معنا که همه مؤدیان موظفند اظهارنامه مالیاتی ارائه دهند، اما تنها بین ۲ تا ۵ درصد از این اظهارنامه‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و حدود ۹۵ درصد آنها بدون دخالت ممیز و بر اساس اعتماد و شفافیت تأیید می‌شوند. به این ترتیب، فرآیند مالیات‌گیری در آن کشورها عدلانه‌تر و شفاف‌تر است.

او با اشاره به ماده ۹۷ در قانون مالیات گفت: از سال ۱۳۹۴ با اصلاح قانون مالیات، مادای تحت عنوان ماده ۹۷ به این قانون اضافه شد. بر اساس این ماده، سازمان امور مالیاتی می‌تواند اظهارنامه مؤدیان مالیاتی را بدون رسیدگی بپذیرد و بر مبنای آن، برگ قطعی وصول مالیات را صادر کند. با این حال، اجرای این ماده تا مدت‌ها متوقف ماند و از سال ۱۴۰۲، اجرای آن به‌صورت تدریجی و پلکانی آغاز شد. بر اساس اظهارات مسوولان سازمان امور مالیاتی، حدود ۳۰ درصد از اظهارنامه‌های عملکرد سال ۱۴۰۲ اشخاص حقوقی، بدون نیاز به رسیدگی، مورد پذیرش قرار گرفته و بر اساس همان اظهارنامه‌ها، برگ قطعی صادر شده است. این اقدام گامی مثبت در راستای اعتمادسازی و شفافیت مالیاتی محسوب می‌شود. هرچند هنوز تا تحقق هدف ۹۰ درصدی فاصله قابل توجهی وجود دارد. سیستم ممیزمحور فعلی باعث شده بعضی هزینه‌های واحدهای تولیدی رد و بعضی دیگر تأیید شوند، این امر به بنگاه‌های تولیدی آسیب جدی وارد کرده و در میان‌مدت باعث کاهش اشتغال و تولید می‌شود.

سقوط نرخ تشکیل سرمایه

این فعال بخش خصوصی درباره وضعیت سرمایه‌گذاری اظهار کرد: در شرایط اقتصادی کنونی و بر اساس گزارش شاخص مدیران خرید (شاخص) طی ۱۸ ماه متوالی نرخ شاخص تشکیل سرمایه ثابت زیر ۵۰ درصد بوده است. رقمی که نشان‌دهنده کاهش سرمایه‌گذاری در بخش تولید است. پس از دوران جنگ نیز وضعیت سرمایه‌گذاری بدتر نشده و در شرایط فعلی ضروری است با ارائه مشوق‌های لازم نظیر کاهش نرخ مالیات بر عملکرد، هزینه بنگاه‌های تولیدی کاهش یابد تا سرمایه‌گذاری و اشتغال در کشور تقویت شود.

جبالبارزی درباره مشکلات واحدهای تولیدی با سازمان تامین اجتماعی گفت: یکی از چالش‌های اصلی فعالان اقتصادی، نحوه عملکرد این سازمان است که به‌جای حمایت از تولید، به مانعی برای آن تبدیل شده است. سازمان تامین اجتماعی طبق قانون باید فقط از لیست حقوق و دستمزد بازرسی کند، اما در عمل حسابر‌های غیرقانونی انجام می‌دهد و برای هزینه‌های غیرمشمول نیز حق بیمه مطالبه می‌کند. این اقدام فشار زیادی بر تولیدکنندگان وارد کرده و حتی موجب کاهش اشتغال شده است. او با اشاره به انحصاری بودن ساختار تامین اجتماعی تأکید کرد: تا زمانی که نظام بیمه‌ای رقابتی ایجاد نشود، این مشکلات ادامه دارند. در کشورهای توسعه‌یافته، رقابت میان بیمه‌ها باعث بهبود کیفیت خدمات و عدالت در وصول حق بیمه شده است. حسابر‌های غیرقانونی و دریافت حق بیمه از هزینه‌های غیرمشمول، از مهم‌ترین موانع تولید در کشور به شمار می‌رود.

نیست و از پرداخت‌های کارفرمایان و کارگران تامین می‌شود، بنابراین باید با دقت، شفافیت و رویکرد اقتصادی پایدار اداره شوند. با این حال، بدهی انباشته دولت و واگذاری شرکت‌های زیان‌ده یا فاقد توجیه اقتصادی به سازمان تامین اجتماعی، بنیه مالی آن را تضعیف کرده و می‌تواند پایداری منابع بیمه‌ای را در میان‌مدت تهدید کند.

خالقی درباره وضعیت مشوق‌های مالیاتی مرتبط با واحدهای تولیدی اظهار کرد: در حال حاضر، اجرای مشوق‌های مالیاتی منوط به پذیرش دفاتر قانونی شرکت‌ها از سوی ممیزان مالیاتی است. در صورتی که دفاتر مالی به‌درستی تنظیم و تأیید شوند، معافیت‌ها و تسهیلات پیش‌بینی‌شده در قانون، قابل محاسبه و اجرا خواهد بود. به‌عنوان مثال، در مالیات ارزش افزوده، برخی معافیت‌ها به‌صورت اعتبار مالیاتی لحاظ می‌شوند. به این معنا که بنگاه‌ها می‌توانند مالیات پرداختی در دوره‌های پیشین را از بدهی مالیاتی دوره‌های بعد کسر کنند. پیش‌تر این روند در عمل امکان‌پذیر نبود، اما اکنون سازوکار آن در نظام مالیاتی تعریف شده است. به‌عنوان نمونه، واحدهای تولیدی هنگام خرید تجهیزات می‌توانند از معافیت مالیاتی برخوردار شوند و در دوره مالیاتی بعد آن را با مالیات پرداختی خود تهاثر کنند. همچنین، شرکت‌هایی که در شهرک‌های صنعتی فعالیت دارند، از معافیت ۱۵ ساله مالیاتی برخوردارند. البته به شرط آنکه دفاتر مالی خود را به‌موقع ارائه دهند و مورد تأیید ممیز قرار گیرد. در صورت رد دفاتر، این معافیت‌ها اعمال نمی‌شود.

تاخیر در اجرای قانون تفکیک

این عضو کمیسیون مالیات، کار و تامین اجتماعی اتاق بازرگانی ایران در ادامه گفت: مساله مهم در حوزه مالیات و تامین اجتماعی، بحث استقلال نهادهای رسیدگی کننده به اختلافات مالیاتی و بیمه‌ای است. طبق قانون برنامه توسعه، باید دادر‌ای مالیاتی و دادر‌ای تامین اجتماعی از ساختار سازمان امور مالیاتی و سازمان تامین اجتماعی جدا و به‌صورت مستقل زیر نظر قوه قضائیه فعالیت کنند. اجرای این تکلیف قانونی تاکنون با تاخیر همراه بوده و حدود چهار تا پنج ماه از مهلت تعیین‌شده گذشته است. در حال حاضر، اتاق بازرگانی، تشکل‌های کارفرمایی و نمایندگان بخش خصوصی پیگیر اجرای هرچه سریع‌تر این آیین‌نامه هستند تا روند رسیدگی به اعتراضات مالیاتی و بیمه‌ای به‌صورت شفاف، منصفانه و در یک مرجع مستقل انجام شود.

شفافیت مطالبه بخش خصوصی

این فعال بخش خصوصی درباره انتظارات کارفرمایان در بحث اصلاح نظام مالیاتی و بیمه‌ای گفت: نظام مالیاتی کشور باید به‌گونه‌ای سامان یابد که تمام فعالیت‌های اقتصادی قابل‌دبایی و شفاف باشند تا زمینه‌فرار مالیاتی از بین برود. هدف اصلی این است که وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی کاهش یابد و هزینه‌های جاری دولت، از جمله حقوق کارکنان، از محل درآمدهای مالیاتی تأمین شود. اما در عمل، به‌دلیل ضعف در شناسایی و رصد اقصاد پنهان، فشار مالیاتی بیشتر بر بخش‌های رسمی و شناخته‌شده وارد می‌شود. در نتیجه، شرکت‌ها و بنگاه‌هایی که شفاف فعالیت می‌کنند، بار اصلی مالیات را به دوش می‌کشند، در حالی‌که بخش‌های غیررسمی از پرداخت آن فرار می‌کنند. تلاوم این وضعیت باعث ناعادلانه شدن توزیع بار مالیاتی و تضعیف انگیزه در بخش تولید می‌شود. بنابراین، ضروری است با گسترش شفافیت، دیجیتالی شدن نظام مالیاتی و تبادل اطلاعات میان نهاده‌ا، پایه مالیاتی واقعی کشور تقویت شود تا فشار از روی فعالان

روزنامه سراسری اقتصادی ، اجتماعی

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴

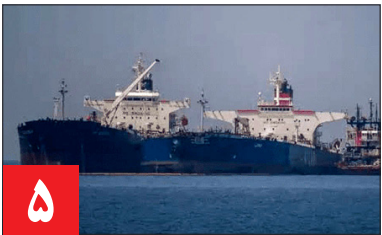
۲۸ رمضان ۱۴۴۷ | ۱۸ مارچ ۲۰۲۶

شماره ۸۸۴

۸۰۰۰ تومان



نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



بازارهای تازه برای نفت ایران



ناگهان پرسپولیس!

▼ طرح گازسوزی خودروها در آزمون استقبال عمومی

شرکت ملی بخش فرآورده‌های نفتی ایران در اطلاعیهای از آغاز طرح تبدیل رایگان خودروهای شخصی مدل ۹۴ و بالاتر خبر داد؛ یعنی خودروهایی با ۱۰ سال کارکرد حالا می‌توانند به‌طور رایگان گازسوز شوند. خودروهایی که حالا گام‌به‌گام به فرسودگی نزدیکتر می‌شوند. به‌نظر می‌رسد که دولت در اجرای طرح‌های تشویقی برای گازسوزکردن خودرو یک گام جلوتر رفته‌است.
اول شهریور ماه امسال مدیرعامل شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی ایران از آغاز ثبت‌نام تبدیل رایگان خودروهای شخصی نزنین‌سوز به دوگانه‌سوز با مدل ۹۷ به بالا خبر داده بود. اما در طرح جدید خودروهای بالای مدل ۹۴ در نظر گرفته‌شدند که خودروهای بیشتری را شامل می‌شود. در این مورد می‌توان دو سناریو را مطرح کرد؛ یا طرح قبلی موفق بوده و دولت حالا می‌خواهد محصولات بیشتری را گازسوز کند و یا استقبال کافی از طرح قبلی انجام‌نشده و حالا سیاستگذار سعی کرده با بزرگ‌ترکردن بازه شمول طرح، خودروهای بیشتری را جذب کند.
تحلیل روندها نشان می‌دهد که احتمال سناریوی دوم بیشتر است. برای قضاوت بهتر در این موضوع بهتر است معایب و مزایای دوگانه سوزکردن را برای صاحبان این خودروها بررسی کنیم تا ببینیم آیا گازسوزکردن رایگان خودروها انگیزه کافی را برای صاحبان آنها ایجاد می‌کند یا خیر.

در نگاه اول بزرگ‌ترین مزیتی که برای آنها می‌توان متصور شد استفاده از سوخت ارزان‌تر است. هر مترمکعب گاز CNG اکنون به قیمت ۵۷۰تومان فروخته می‌شود، قیمت بنزین سهمیه‌ای نیز به هزار و ۵۰۰تومان و بنزین غیرسهمیه‌ای به سه‌هزار تومان می‌رسد. گرچه از نظر درصد اختلاف، شکاف قابل‌توجهی دیده می‌شود اما در نهایت اختلاف قیمت آنها به هر لیتر هزار یا دوهزار و ۴۰۰تومان (سهمیه آزاد) می‌رسد که اساس هزینه قابل‌توجهی به‌نظر نمی‌رسد؛ در واقع قیمت بنزین در ایران به دلیل یارانه سنگینی که به آن تعلق می‌گیرد، بسیار پایین است و بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند که به‌جای گازسوزکردن خودرو و آسیب به آن از بنزین یارانه‌ای استفاده کنند.بنابراین تفاوت قیمت بین بنزین و گاز وجود دارد اما به‌قدری نیست که انگیزه زیادی برای افراد در راستای گازسوزکردن خودروی خود بدهد. اما در گازسوزکردن خودرو، مهم‌ترین ایرادی که بسیاری از مالکان تجربه کرده‌اند، کاهش فضای مفید خودرو است. نصب کپسول گاز در صندوق عقب، به‌ویژه در خودروهای سوزی کوچک‌تر بخش قابل‌توجهی از فضای بار را اشغال می‌کند. برای خانواده‌هایی که از خودرو در سفرهای جادلی استفاده می‌کنند، این موضوع یک مشکل جدی است و عملاً بخشی از کارکرد اصلی خودرو را از بین می‌برد. از سوی دیگر، سیستم دوگانه‌سوز معمولاً باعث افت محسوس توان موتور می‌شود. موتورهای که برای مصرف بنزین طراحی شده‌اند، هنگام استفاده از گاز طبیعی دچار کاهش شتاب و کشش می‌شوند. برخی رانندگان حتی پس از مدتی استفاده، ترجیح می‌دهند مجدداً از بنزین استفاده کنند، چون عملکرد خودرو با گاز رضایت‌بخش نیست.

محدودیت بعدی، کمبود ایستگاه‌های CNG در سطح شهرها و جاده‌است. با وجود گذشت بیش از دو دهه‌ا از آغاز طرح گازسوزی در ایران، هنوز زیرساخت سوخت‌رسانی متناسب با رشد تعداد خودروهای گازسوز توسعه نیافته‌است. در بسیاری از شهرها، تعداد ایستگاه‌ها انگشت‌شمار است و صف‌های طولانی به‌ویژه در ساعات اوج تردد دیده می‌شود. همین مشکل موجب می‌شود رانندگان برای پرکردن کپسول وقت زیادی را صرف کنند، درحالی‌که بنزین تقریباً در هر نقطه‌ای ی‌راحتی در دسترس است. با در نظر گرفتن مجموع این عوامل می‌توان گفت که تفاوت قیمت چندان کار کردی برای رشد انگیزه افراد برای گازسوزکردن خودرو ندارد.

■—————■

▼ مدت گارانتی خودرو تغییر کرد

پس از چند هفته توقف در ترخیص قطعات متفصله خودرو از گمرکات کشور، سرانجام گمرک با صدور بخشنامه‌ای تازه، اجازه ترخیص موقت این قطعات را صادر کرد. بر اساس این بخش‌نامه که از سوی معاون فنی گمرک به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ‌شده، ترخیص قطعات متفصله مربوط به فصل ۹۸ با اخذ تعهدنامه از صاحبان کالا به مدت دو ماه مجاز شناخته شده‌است. در این دستور تأکیدشده: واردکنندگان ارزش قطعات باید تعهد دهند در صورت هرگونه تغییر احتمالی در ارزش کالا یا مغایرت در محموله، مسوولیت آن را پذیرفته و مدارک لازم را در مهلت مقرر به کارگروه موضوع تبصره ۶ قانون خودرو ارسال کنند. تا نسبت به صدور شناسه ارزش اقدام شود. بر اساس این ابلاغیه، ارزش نهایی تعیین‌شده توسط کارگروه مذکور، ملاک عمل گمرک در محاسبه حقوق ورودی و رفع تعهدات بانکی خواهد بود.تصمیم جدید گمرک در شرایطی اتخاذشده که چندی پیش وزارت صنعت، معدن و تجارت در نامه‌ای رسمی به گمرک اعلام کرده‌بود؛ ترخیص قطعات متفصله خودرو به‌دلیل نبود شناسه معتبر در بانک اطلاعات ارزش موسوم به TCS متوقف شده‌است.این بانک اطلاعاتی، یکی از سامانه‌های کنترلی گمرک به‌شمار می‌رود که وظیفه آن تعیین ارزش پایه کالاهای وارداتی از جمله قطعات خودرو بر اساس کد تعرفه و داده‌های ثبت‌شده است.در واقع گمرک از طریق این سامانه صحت ارزش‌گذاری اعلام‌شده توسط واردکنندگان را بررسی کرده و از کم‌اظهاری یا بیش‌اظهاری جلوگیری می‌کند.



۹ میلیارد دلار در مسیر بی‌بازده خودرو

◀ مریم لطفی –به گفته یکی از اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، صنعت خودروی ایران سالانه حدود ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد؛ به این معنا که ارزش وار دات خودرو و قطعات چندین برابر صادرات آن است. این مقام تأکید می‌کند: ادامه چنین وضعیتی برای اقتصاد کشور ممکن نیست، چرا که صنعت خودرو به جای آنکه موتور ارز آوری و رشد تولید باشد، به یکی از بزرگ‌ترین کانال‌های خروج ارز از کشور تبدیل شده‌است.

نگاهی به شالکه اصلی صنعت خودروی کشور بیانگر این واقعیت است که وابستگی شدید به واردات قطعات و فناوری، ضعف قطعه‌سازان داخلی و محدودیت صادراتی، این صنعت را به یکی از آسیب‌پذیرترین بخش‌ها در برابر نوسانات ارزی و تحریجه‌ا تبدیل کرده‌است، به گونه‌ای که صنعت خودرو طی دو دهه اخیر بیشترین ارزیبری را داشته و ارزآوری اندکی ایجاد کرده‌است، موضوعی که عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام بر آن تأکید دارد. اما اینکه عنوان می‌شود صنعت خودروی ایران سالانه ۹میلیارد دلار تراز تجاری منفی دارد، به چه معناست؟

تراز تجاری منفی در این حوزه یعنی اینکه ارزش واردات (اعم از خودروی کامل، قطعات، مواد اولیه و تجهیزات تولید) بسیار بیشتر از ارزش صادرات خودرو و قطعات ایرانی است. به زبان ساده، کشور هر سال حدود ۹میلیارد دلار ارز از دست می‌دهد تا نیازهای صنعت خودرو را از خارج تأمین کند، درحالی‌که صادرات این صنعت درآمد قابل‌توجهی را برنمی‌گرداند. این شرایط ادامه دهیم؟ چیست؟ اما به‌صورت تلویحی می‌توان از گفتگوی این‌گونه برداشت کرد که با ادامه وضعیت کنونی شاهد تشدید ناپایداری ارزی و اقتصادی صنعت خودرو، خروج منابع ارزی و وابستگی خارجی خواهیم بود و صنعت خودرو به‌جای مولد بودن، به یک مصرف‌کننده بزرگ ارز تبدیل می‌شود. پیش‌تر هم بازوی پژوهشی مجلس با تأکید بر اینکه صنعت خودروی ایران نقشه‌ا رازآوری ندارد، بلکه به‌دلیل مصرف بالای ارز به بحران تراز ارزی کشی دامن زده است، به این موضوع پرداخته بود.

با استناد به داده‌ای این منبع رسمی، صنعت خودروی ایران، پشم اهمیت استراتژیک، یک بحران‌ساز در تراز ارزی کشور محسوب می‌شود. این صنعت، به‌جای مولد بودن ارز، به دلیل وابستگی ساختاری شدید به واردات واسطه‌ای (با سهم ۲۲٫۲درصد از تقاضای داخلی)، یک کسری ارزی سالانه به همراه دارد. آمار نشان می‌دهد که سهم صادرات از کل تقاضای داخلی تنها ۰٫۹درصد است که گویای عدم‌توانایی در رقابت در بازارهای جهانی است. در نتیجه خالص ارزآوری این صنعت منفی ۲۲٫۳درصد برآورد شده، به این معنی که هزینه‌های ارزی آن به‌مراتب از درآمدهای ارزی بیشتر است. در نتیجه کارشناسان متفقند تخصیص منابع به این بخش باید صرفاً بر اساس شاخص «تراز ارزی» باشد، نه معیارهای دیگر مانند اشتغال. با توجه به هشدار اخیر درباره تراز تجاری منفی در صنعت خودروی ایران، دو سوال اساسی



خودروی هیبریدی چینی رکورد گینس را شکست

شرکت خودروسازی چینی FAW با عرضه خودروی هیبرید برقی Hongqi HS به نقطه عطفی دست‌یافته و رکورد گینس را برای طولانی‌ترین مسافت طی‌شده با یکبار شارژ و مخزن کامل سوخت بدون توقف ثبت کرده‌است.

این خودرو در ۳۰ اکتبر سفری ۱۴۴۵ مایلی را از «شانگهای» آغاز کرد و در ۳ نوامبر به گوانگژو رسید و در مسیر خود از شهرهای کانمینگ، بایس و ووژو عبور کرد. رکورد جدید نشان‌دهنده پیشرفت سریع مهندسی FAW و تعهد این شرکت به توسعه خودروهای هیبریدی با برد طولانی برای بازار جهانی است. Hongqi HS با پشت‌سیر گذاشتن رکوردداران پیشین مانند Fulin T۱۰ از شرکت چری، استاندارد جدیدی در قدرت تحمل و کارآمدی خودروهای SUV هیبریدی ایجاد کرده‌است.این خودرو مجهز به موتور توربوشارژ ۱٫۵ لیتری است که ۱۴۸ اسب‌بخش قدرت و ۱۶۶ پوند بر فوت گشتاور تولید می‌کند، درحالی‌که به‌روری حرارتی آن به ۴۵۲٫۱۲درصد می‌رسد.

خریداران می‌توانند بین تنظیمات ۲ و ۴ چرخ متحرک انتخاب کنند. حداکثر سرعت خودرو ۱۲۷ مایل بر ساعت است و بازده کل سیستم به ۲۲۵ اسب‌بخش برای نسخه دوچرخ و ۴۹۵ اسب بخار برای نسخه چهارچرخ می‌رسد.

دوئل ملکی دولت و شهرداری



و پیش‌رفت. نتیجه آن شده که امروزه تحت‌تأثیر احداث نزدیک به ۵۰ شهر قدیم و جدید واقع در حومه تهران، «جمعیت روز پایتخت» به میزان ۱۰درصد جمعیت شب، افزایش پیدا کرده‌است.

این طرف، دیگر، به موازات قانون تقسیمات کشوری که متولی حریم تهران را «استانداری» می‌شناسد، سال۸۴ قانون دیگری تحت‌عنوان «قانون تعاریف محدوده و حریم شهر و روستا» تصویب شد که روح قانون دوم، برخلاف قانون اول، «اختیار نظارت و عمل بر حریم تهران» را به شهرداری تهران واگذار می‌کند. براساس این قانون، «قسمتی از زمین‌های حریم تهران واقع در داخل شهرستان تهران» صرفاً برای «توسعه آتی پایتخت» باید حفظ شود و هر نوع ساختوساز در حریم باید با نظارت شهرداری تهران باشد. نظارت بر ساختوساز می‌تواند به‌معنای آن باشد که «مرجع صدور پروانه برای زمین‌های حریم تهران»، شهرداری است. شهرداری است. هرچند در متن قانون، مسؤول صدور پروانه به صراحت معرفی نشده‌است.

پشت‌محنه این قانون دوم که دو دهه‌بعد از قانون اول، تصویب شد، «رشد تهاجمی» جمعیت و کاهش گسترده «زمین‌های خام واقع در حریم تهران» طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ بود. در آن مقطع، دولت تشخیص داده بود، بعد از دو دهه «رشد جمعیت تهران بزرگ فراتر از طرح‌های جامع اول و دوم تهران»، لازم است جلوی بارگذاری‌های ساختمانی اطراف تهران گرفته شود تا «ذخایر اراضی موردنیاز برای آینده شهر تهران»، بیش از این، صرف نشود. در دهه ۷۰، جمعیت تهران که قرار بود طبق طرح جامع اول تهران به ۵٫۵میلیون نفر برسد، به حدود ۵٫۷میلیون نفر تجاوز کرده‌بود. به همین خاطر، با تصویب قانون مرتبط با حریم در دهه ۸۰، شهرهایی که در حریم تهران شکل‌گرفته بودند و خودشان هم حریم داشتند، نمی‌توانستند «بیش از حد موجود» گسترش پیدا کنند و زمین‌های حریم آنها طبق همان قانون، مشمول «صدور مجوز از سمت شهرداری تهران، صرفاً برای توسعه فیزیکی شهر تهران» است.

«یک حریم، دو متولی» چگونه حل می‌شود؟

در حال حاضر ۲۰ سال از اداره تهران با «یک حریم و دو متولی» می‌گذرد. نتیجه آن شده که پایتخت از سمت نوار غربی خلم‌شده، عملاً «حریم» خود را از دست داده‌است؛ به‌طوری‌که حداقل کرج و تهران، مابین منطقه ۲۲ و وردآورد از یکسو (متعلق به محدوده تهران) و گرمدره از سوی دیگر (داخل محدوده استان البرز)، تقریباً هیچ امکانی به شکل «راضی بکر و خام» برای

تولید ناخالص داخلی (GDP) دارد. برآوردها نشان می‌دهد در صورت فعالیت خودروسازان با ظرفیت کامل، این صنعت می‌تواند بین سه تا پنج‌رصد ارزش‌افزوده در اقتصاد کشور ایجاد کند. از همین‌رو، هر تحول ساختاری یا عملیاتی در صنعت خودرو، به‌طور مستقیم بر سایر بخش‌های اقتصادی و شاخص‌های کلان اثرگذار خواهد بود.

با این‌حال، تداوم زیان انباشته سنگین خودروسازان، نشانه‌ای از اختلال عمیق در نظام اقتصادی و سیاستگذاری این صنعت است. بخش عمده این زیان‌ها، در واقع منابعی است که بواسطه نظام قیمت‌گذاری دستوری از شرکت‌ها به مصرف‌کنندگان نهایی منتقل شده‌است. دولت طی سال‌های اخیر با اصرار بر فروش خودرو با قیمت‌های مصوب، خودروسازان را ناچار کرده تا تولید را با زیان ادامه دهند. برآوردها نشان می‌دهد زیان انباشته حدود ۳۰۰هزار میلیارد تومانی خودروسازان معادل نزدیک به ستمیلیارد دلار است؛ رقمی که بیانگر حجم بالای منابعی است که در سایه سیاست‌های دستوری فرصت‌های طلایی برای حضور در بازارهای منطقه‌ای نیز به دلیل محدودیت‌های ناشی از روابط بین‌المللی از دست رفته است. علاوهبر بُعد مالی، موانع در عرصه سیاست خارجی مانع از دسترسی صنعت خودرو به فناوری‌های نوین و همکاری‌های بین‌المللی شده‌است؛ عاملی که به‌صورت مستقیم موجب عقب‌ماندگی فنی، کاهش نوآوری و افت توان رقابتی این صنعت در مقیاس جهانی شده‌است.

فاصله زیاد صنعت خودرو با تراز تجاری مثبت

در سال‌های گذشته، صادرات خودروهای ایرانی هرچند محدود، عمدتاً به کشورهایی مانند سوریه و عراق صورت می‌گرفت، با این‌حال نمی‌توان انتظار داشت که محصولات تولیدی کشور با خودروسازان پیشرو جهانی رقابت کنند. ساختار دولتی حاکم بر صنعت خودروی ایران موجب شده‌است که مدیران منصوب در این بخش از رانته‌های دولتی بهرمند شوند و این امر مانع تحقق کامل توان رقابتی این صنعت شده‌است. منطقی است که از صنعتی که فاقد قدرت رقابتی است، انتظار موفقیت در حوزه صادرات نرود. از قضا آمارهای صادراتی نیز گویای همین نکته است.

با این‌حال، هم‌اکنون فرآیند خصوصی‌سازی یکی از خودروسازان بزرگ کشور آغاز شده‌است و در صورتی‌که این مسیر به درستی دنبال شود و شرکت مذکور توان رقابتی خود را ارتقا دهد، در بلندمدت امکان صادرات محصولاتش فراهم خواهد شد و با تولید محصولات رقابتی می‌توان انتظار این روند را داشت. در حال‌حاضر شاهد تراز تجاری منفی در این صنعت هستیم؛ به‌طوری‌که فاصله میان وضعیت فعلی واردات و صادرات و دستیابی به تراز تجاری مثبت در این صنعت همچنان بسیار زیاد است و به اعتقاد من تحقق آن نیازمند تقویت بنیادین بخش خصوصی است. علاوه بر این، اجرای استانداردهای بین‌المللی و انطباق با الزامات آلایندگی، مانند استاندارد یورو۶، همچنان با چالش‌ها و تردیده‌های جدی مواجه است. پیامد این تأخیرها و عدم‌قطعیت‌ها می‌توان در زیان انباشته بالای صنعت مشاهده کرد که طی سالیان گذشته به‌وضوح نمایان شده‌است.

منظور از «تراز تجاری منفی» چیست؟

به اعتقاد من ابتدا لازم است روشن کنیم منظور از «تراز تجاری منفی» در صنعت خودرو چیست. در صنعت خودرو، دو نوع واردات اصلی وجود دارد: واردات رسمی خودروهای کامل خارجی و دوم واردات قطعات خودرو که تولید آنها در کشور یا اقتصادی نیست یا از نظر فناوری و کیفیت با نمونه‌های خارجی قابل‌رقابت نیست. واردات خودروهای کامل اساساً از فعالیت تولیدی خودروسازان داخلی جداسـت؛ این خودروها صرفاً خریداری می‌شوند و برای آنها سهمیه ارزی مشخصی دریافت می‌شود که معمولاً از محل ارز مبادله‌ای است. هدف واردکننده هم صادرات نیست، بنابراین محاسبه تراز تجاری صادرات-واردات برای این بخش عملاً معنا ندارد.

اما اگر تنها واردات قطعات داخلی مدنظر باشد، بحث تراز تجاری به مفهوم کلاسیک اقتصادی مطرح نیست؛ این کالاها در فرآیند تولید داخل مصرف می‌شوند و هدف صادراتی آنها تعریف نشده‌است. در صورتی‌که منظور از «تراز منفی» صادرات مجدد خودرو باشد – مانند عملکرد برخی کشورها مانند گرجستان یا دبی که خودرو را وارد و با ارزش‌افزوده صادر می‌کنند – آنگاه می‌توان چنین تحلیلی داشت، اما بدون محاسبات دقیق نمی‌توان ادعا را رد یا تأیید کرد و بررسی کارشناسی بیشتری لازم است. سوال مهم این است که! آیا می‌توان بدون صنعت خودرو زندگی اقتصادی پایداری داشت؟ پاسخ روشن است: خیر. کشور به تولید خودرو نیاز دارد. ما نه توان واردات بیش از یکمیلیون خودرو در سال را داریم و نه منابع ارزی لازم برای آن فراهم است، بنابراین صنعت خودرو به‌عنوان صنعتی مادر و پیشران اقتصاد، نقشی انکارناپذیر دارد و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، هرچند نیازمند اصلاحات ساختاری و عمیق است.

صنعت خودروی ایران دارای سابقه، ریشار و به شبکه گسترده‌ای از صنایع قطعه‌سازی وابسته است و باید مورد حمایت و بازآفرینی قرار گیرد، اما هدفگذاری برای صادرات در کوتاه‌مدت واقع‌بمانه نیست. با اصلاحات اساسی در ساختار صنعتی، مدیریتی و فناوری، می‌توان در یک بازه ۱۰ ساله به صادرات پایدار دست یافت. امروزه در برخی حوزه‌ها توان تولید داخلی وجود دارد، اما واردات از کشورهای مانند چین همچنان مقرون‌بصرفه‌تر است و در قطعات پیچیده وابستگی منابع به کشورهای دیگر، صنعت خودروسازی را در معرض خطر قرار می‌دهد. بنابراین با اصلاح صنایع بالادستی و ارتقای فناوری، می‌توان این وابستگی را کاهش داد و تولید کامل خودرو در داخل و کنترل ارزیبری صنعت خودرو را ممکن ساخت.

شرکت خودروسازی چینی FAW با عرضه خودروی هیبرید برقی Hongqi HS به نقطه عطفی دست‌یافته و رکورد گینس را برای طولانی‌ترین مسافت طی‌شده با یکبار شارژ و مخزن کامل سوخت بدون توقف ثبت کرده‌است. این خودرو در ۳۰ اکتبر سفری ۱۴۴۵ مایلی را از «شانگهای» آغاز کرد و در ۳ نوامبر به گوانگژو رسید و در مسیر خود از شهرهای کانمینگ، بایس و ووژو عبور کرد. رکورد جدید نشان‌دهنده پیشرفت سریع مهندسی FAW و تعهد این شرکت به توسعه خودروهای هیبریدی با برد طولانی برای بازار جهانی است. Hongqi HS با پشت‌سیر گذاشتن رکوردداران پیشین مانند Fulin T۱۰ از شرکت چری، استاندارد جدیدی در قدرت تحمل و کارآمدی خودروهای SUV هیبریدی ایجاد کرده‌است.این خودرو مجهز به موتور توربوشارژ ۱٫۵ لیتری است که ۱۴۸ اسب‌بخش قدرت و ۱۶۶ پوند بر فوت گشتاور تولید می‌کند، درحالی‌که به‌روری حرارتی آن به ۴۵۲٫۱۲درصد می‌رسد. خریداران می‌توانند بین تنظیمات ۲ و ۴ چرخ متحرک انتخاب کنند. حداکثر سرعت خودرو ۱۲۷ مایل بر ساعت است و بازده کل سیستم به ۲۲۵ اسب‌بخش برای نسخه دوچرخ و ۴۹۵ اسب بخار برای نسخه چهارچرخ می‌رسد.	
--	--

«محفوظ نگه‌داشتن» آن جهت توسعه آتی پایتخت، باقی نمانده‌است. همین وضعیت از سمت شرق محدوده شهر تهران نیز صادق است و در جنوب خط محدوده تهران، یعنی اتوبان آزادگان نیز «حریم پایتخت» در اختیار شهرستان‌های پاکدشت، اسلامشهر و قنس قرار دارد که درست تا مجاورت اتوبان آزادگان، حوزه استحقاقی شهرهای‌ای این شهرستان‌ها قرار دارد و در عین حال، حریم تهران هم محسوب می‌شوند.

این تعارض باعث‌شده از یکسو، شهرداری تهران مدعی آن است که نباید در اطراف محدوده جنوبی شهر تهران، ساختمان با فعالیت ترفاهی شکل بگیرد اما از سوی دیگر، مدیران شهرستان‌های مجاور و مالکان زمین‌های آنجا، در حال صدور مجوزها و بارگذاری‌های ساختمانی و جمعیتی هستند. در این میان، «ارزش اقتصادی زمین‌ها واقع در حریم پایتخت» که ناشی از «تردییکی به مرکز» است، اشتها برخی واحدهای صنعتی در حریم و مالکان برای «تعیین یا تغییر کاربری» زمین‌های حریم تهران را سبب شده‌است؛ روندی که در سال‌های اخیر چون برای شهرداری‌های حریم منابع مالی قابل‌توجه حاصل از صدور مجوز برای این اراضی را به‌همراه داشت، عاملی برای «شتاب بارگذاری» روی اراضی ذخیره توسعه آتی پایتخت شد.

در این‌میان، طرف مقابل یعنی شهرداری تهران که با استناد به قانون دهه ۸۰، خود را «متولی» نظارت بر ساختوسازهای حریم تهران می‌داند نیز به‌نوعی، خود را «ذی‌نفع» منابع مالی حاصل از صدور پروانه و تغییر کاربری در این اراضی نیز می‌داند. نتیجه آن شده که دعوی دولت و شهرداری اکنون بالا گرفته و کار به دولت رسیده‌است. استانداری تهران، پروانه‌ای که شهرداری برای حریم صادر کرده را ابطال کرده و شهرداری هم اجازه «ساختوساز جدید» در حریم تهران یا همان «محدوده شهرهای حومه تهران» را نمی‌دهد.

گروه مسکن و شهری روزنامه «دنیایاقتصاد» در جریان تحقیق و بررسی درباره «زیرپوست» این دعوا، علاوهبر اینکه به ریشه‌های این اختلاف رسید، به یک طرح «حل اختلاف» هم دسترسی پیدا کرده‌است که برای اواخر دهه ۹۰ است؛ مقطعی که محسوبی سیاسی و فکری بین دولت و شهرداری برقرار بود و همین «عدم اختلاف‌نظر» باعث‌شده بود شهرداری تهران و استانداری تهران، برای «تعیین‌تکلیف» دو متولی حریم شهر تهران با هدف «تنظیم جریان بارگذاری آتی روی اراضی حریم پایتخت»، در قالب یک طرح، به دو راهکار برسند. در آن طرح، دو پیشنهاد مطرح شد: اولین راهکار این است که هیچ‌کدام از شهرداری‌های شهرهای واقع در حریم شهر تهران، «حریم نداشته باشند» و فقط محدوده در اختیار هر شهرداری باشد و مدیریت حریم پایتخت توسط یک نهاد مشترک (با استانداری) با محوریت شهرداری تهران، انجام شود.

راهکار دوم نیز «حریم مشاعی» برای شهرهای اطراف تهران و شهر تهران درنظر گرفته‌است؛ به این‌معنا که زمین‌های موجود واقع در حریم تهران که از محدوده شهرستان‌های اطراف تهران خارج است، در قالب «حریم مشاعی» باشد و «نظارت و کنترل» بر آن با استانداری باشد. تحقیقات «دنیایاقتصاد» حاکی است، با توجه به اینکه سطح دعوا در هفته گذشته، بالا گرفت، قرار است شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور بزودی یکی از این دو راهکار را تصویب کنداز آنجا که مرجع تصمیم‌گیری برای «آینده توسعه فیزیکی شهرهای ایران» شورای‌عالی شهرسازی و معماری کشور است که در قالب تدوین یا بازنگری طرح‌های جامع و تفصیلی شهرها، این تصمیم‌گیری را انجام می‌دهد، شاید بتواند «اختلافاتی که به واسطه وجود ۲ قانون متضاد» بین استانداری تهران (زیرمجموعه وزارت کشور) و شهرداری تهران بوجود آمده را حل و فصل کند.

روزنامه‌های اقتصاد

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴
شماره۸۸۴
www.marzeghtesad.ir

♥کارنامه متناقض دولت‌های ترامپ

دونالد ترامپ در دوره اول ریاست جمهوری خود با کاهش مالیات شرکتی و مقررات‌زدایی، منجر به رشد ۶۷ درصدی شاخص S&P ۵۰۰ شد و یکی از بهترین عملکردهای تاریخی را ثبت کرد. اما در ۱۰۰ روز اول دوره دوم، سیاست‌های تعرفه‌ای ۶۰ درصدی بر چین و تنش‌های تجاری، شاخص را ۷۹٫۹درصد پایین کشیدند، بدترین شروع یک رئیس‌جمهور در ۸۰ سال اخیر. هر چهار سال یک بار با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، گمانه‌زنی‌هایی درباره برنده انتخابات وجود دارد و تصمیمات فعالان بازار سرمایه در کوتاهمدت تا حدی تحت‌تاثیر این رویداد قرار می‌گیرد. با این وجود تاریخ نشان می‌دهد که انتخابات ایالات متحده در بلندمدت، تقریباً بر بازار سهام بی‌تاثیر است. طبق گزارش بلومبرگ، در دوره پس از جنگ جهانی دوم، بازار تحت هر دو دولت دموکرات و جمهوری‌خواه بازده‌های خوبی داشته است، اگرچه تحقیقات CFRA نشان داد که از نظر بازده مطلق، عملکرد بازار تحت دولت‌های دموکرات بهتر بوده است.

بازار سهام در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ با رشد قابل‌توجهی همراه بود، اما در دوره دوم ریاست جمهوری او شاخص‌ها با نوسانات بیشتری همراه بوده‌اند. در دوره اول ریاست جمهوری ترامپ که از ژانویه سال ۲۰۱۷ آغاز شد و تا ژانویه سال ۲۰۲۱ ادامه داشت، شاخص S&P ۵۰۰ در مجموع ۶۷٫۲درصد رشد کرد. در چهار سال بعدی که دولت ایالات متحده توسط دموکرات‌ها اداره می‌شد و بایدن ریاست جمهوری ایالات متحده آمریکا به به عهده دوشنبه، این شاخص ۱۵٫۸درصد رشد کرد. البته در دوره بایدن بازار سهام با نوساناتی همراه بود؛ نوساناتی مانند رشد ۲۶درصدی در سال ۲۰۲۱ با افت ۲۰درصدی در سال ۲۰۲۲. از زمان آغاز دور دوم ریاست جمهوری ترامپ در اولین ماه سال میلادی جاری، شاخص با نوسانات بسیاری همراه بوده است. این شاخص از ابتدای دور دوم ریاست جمهوری ترامپ تا ۲۰ اکتبر، ۱۵٫۸درصد رشد داشته است.

دوره اول ریاست‌جمهوری ترامپ دوره اول ترامپ با یک بازار صعودی (bull market) قوی شروع شد. کاهش شاخص شرکت‌ها از ۱۴درصد به ۲۱درصد در سال ۲۰۱۷ و مقررات‌زدایی (deregulation) بانکی، دو عامل اصلی بودند که به افزایش شدید بازدهی و رشد شاخص‌های بازار سرمایه در آمریکا انجامیدند. سیاست‌های ترامپ اعتماد سرمایه‌گذاران را افزایش داد، اما پاندمی کووید-۱۹ در ۲۰۲۰ یک شوک موقت ایجاد کرد. شاخص S&P ۵۰۰ از حدود ۲هزار و ۷۲۱ در ژانویه سال ۲۰۱۷ به ۲هزار و ۷۹۸ در ژانویه سال ۲۰۲۱ رسید که معادل رشد ۶۷٫۳درصدی است. این به معنای رشد متوسط ۱۴٫۵درصد در سال است و یکی از بهترین عملکردها در دوره‌های ریاست جمهوری اخیر را به نام ترامپ ثبت می‌کند. رشد بالای شاخص‌های اصلی را افزایش S&P ۵۰۰ و DJIA، تأثیر مثبت سیاست‌های حمایت‌گرایانه از کسب‌وکارها را نشان می‌دهد؛ اما تأثیر سیاست‌های دولت قبلی و شوک کووید نیز قابل انکار نیست.

S&P ۵۰۰ زیر فشار تعرفه‌ها با توجه به سیاست‌های حمایت‌گرایانه اقتصادی دولت دوره اول ترامپ و رشد چشم‌گیر شاخص‌های مهم بورس، دوره دوم ریاست جمهوری او با انتظارات بالایی آغاز شد. اما در واقعیت و از زمان انتخاب ترامپ به‌عنوان رئیس‌جمهور آمریکا در نوامبر سال ۲۰۲۴ تاکنون، بازار سرمایه آمریکا نوسانات زیادی را پشت سر گذاشته است. شاخص S&P ۵۰۰ از نوامبر ۲۰۲۴ تا ژانویه ۲۰۲۵ با رشد ۳۶٫۶ درصدی همراه شد.

پس از آن سیاست‌های حفاظت‌گرایانه مانند تعرفه‌های سنگین بر واردات و تنش‌های آمریکا با متحدان تجاری خود منجر به نوسانات شدید در ماه آوریل شد. ۱۰۰ روز ابتدایی دوره دوم ریاست جمهوری ترامپ با افت ۷۹٫۹درصدی این شاخص همراه بود تا بدترین ۱۰۰ روز اول ریاست جمهوری یک رئیس‌جمهور برای بازار سهام در ۸۰ سال اخیر به‌نام دونالد ترامپ ثبت شود. در این صورت، حدود ۳۶۶ تریلیون دلار از ارزش کل S&P ۵۰۰ کاسته شد. اعلام تعرفه‌های گسترده اقدامات تلافی‌جویانه چین و کاهش GDP از جمله عواملی بودند که باعث سقوط‌های شدید روزه شدند. شاخص از کف آوریل، بیش از ۳۴درصد رشد کرد و افت شدید در این ماه را جبران کرد، اما عدم اطمینان تجاری همچنان ریسک را بالا نگه داشته است. به‌طور کلی بررسی عملکرد شاخص S&P ۵۰۰ رشد ۱۵٫۸درصدی این شاخص از ابتدای سال تا ۲۰ اکتبر را نشان می‌دهد.

ثبات عملکرد بازار سهام در بلندمدت از زمان جنگ جهانی دوم تاکنون، بازار سهام آمریکا با میانگین بازده سالانه حدود ۱۰٫۱درصد برای شاخص S&P ۵۰۰، روند صعودی بلندمدتی را تجربه کرده است. حتی با وجود بحران‌های بزرگ مانند رکود ۱۹۲۳، دوشنبه سیاه ۱۹۸۷، حباب دات‌کام ۲۰۰۰ و بحران مالی ۲۰۰۸، داده‌های تاریخی رشد بلندمدت شاخص را تضمین می‌کنند. از سال ۱۹۸۱ یعنی دوره ریاست جمهوری ریگان تا ۲۰۲۵، دوره اول ریاست جمهوری ترامپ (۲۰۲۱–۲۰۱۷) با رشد ۶۷٫۳ درصد شاخص S&P ۵۰۰ در طول دوره ریاست جمهوری (میانگین بازدهی ۱۳٫۶ سالانه)، در رتبه دوم بهترین عملکردها قرار دارد. در رتبه اول این لیست بیل کلینتون قرار دارد. شاخص در طول ۸ سال ریاست جمهوری بیل کلینتون (۲۰۰۱–۱۹۹۳) نزدیک به ۲۱۰درصد (میانگین بازدهی ۱۵درصد سالانه) رشد کرده بود.

ابتدای ساعات معاملاتی مبنی بر حذف ارز ۲۸۵۰۰ تومانی برای کالا‌های اساسی و دارویی بود؛ خبری که موجی از تقاضا در سهام این گروه ایجاد کرد، اما در پایان بازار تکان‌پذ شد. بنابراین پیش‌بینی می‌شود روز یکشنبه برای دارویی‌ها روزی متفاوت باشد. با وجود افزایش عرضه‌ها، ارزش سفارش‌های خرید با رقم هزار و ۲۷۷میلیارد تومان از ارزش سفارش‌های فروش ۷۱۳میلیارد تومانی بالاتر ایستاد. همچنین ارزش صف‌های خرید در برابر صف‌های فروش به ترتیب ۹۱۴میلیارد تومان و ۳۴۸میلیارد تومان بود. در پایان معاملات، تعداد نهادهای دارای صف خرید و فروش تقریباً برابر شد؛ ۹۳ نماد در سمت خرید و ۹۰ نماد در سمت فروش.

نگاهی به تغییر جهت ۱۷۶ نماد از مثبت به منفی در طول معاملات نیز تصویری روشن از بازار نوسانی شبیه ارانه می‌دهد. در سمت خروج نقدینگی، بانکی‌ها با ۴۲میلیارد تومان خروج پول حقیقی برای چندمین روز متوالی در صدر قرار گرفتند و پس از آن چندرشته‌ای‌های صنعتی و زغال‌سنگی‌ها بیشترین خروج پول را تجربه کردند. در سوی مقابل، پالایشی‌ها با ۶۵میلیارد تومان، دارویی‌ها با ۵۴میلیارد تومان و فلزات اساسی با ۴۸میلیارد تومان در صدر جذب نقدینگی حقیقی‌ها قرار داشتند. جالب آنکه گروه سیمان نیز پس از مدت‌ها بار دیگر به کانون توجه بازگشت و با ۲۶میلیارد تومان ورود نقدینگی در رینگ معاملات دوباره خودی نشان داد.

در بخش صندوق‌ها نیز جریان نقدینگی چهرای دوگانه داشت. صندوق‌های سهامی با ۶۱میلیارد تومان خروج پول در صدر خروجی‌ها قرار گرفتند و پس از آن صندوق‌های بخشی با ۴۰میلیارد تومان خروج در رتبه دوم ایستادند. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت با جذب ۹۱۲میلیارد تومان ورود پول بیشترین توجه را به خود جلب کردند. پس از آن، صندوق‌های طلا با ۴۴۸میلیارد تومان، صندوق‌های مختلط با ۴۱میلیارد تومان و صندوق‌های اهرمی با ۲۱میلیارد تومان ورود نقدینگی در جایگاه‌های بعدی قرار گرفتند. این اعداد به روشنی نشان می‌دهد که هرچند بخش قابل‌توجهی از سرمایه‌ها به سمت دارایی‌های کپ‌ریسک‌تر حرکت کرده، اما همچنان بخشی از نقدینگی تازه در حال چرخش میان صنایع مختلف بورسی است.

اصلاح زمانی؛ محتمل‌ترین سناریو

محمد خبری‌زاد، تحلیلگر ارشد بازار سرمایه، درباره وضعیت معاملات روز شنبه گفت: «بازار دیروز دو نیمه کاملاً متفاوت داشت. در نیمه اول معاملات، شرایط کاملاً مثبت بود و شاخص کل حتی تا سطح سه‌میلیون و ۲۴۵هزار واحد هم رشد کرد، اما از حدود ساعت ۹ و نیم به بعد، روند بازار تغییر کرد. مخصوصاً از ساعت ۱۱ به بعد فشار فروش در نهاده‌ها بالا رفت و در نهایت شاخص کل با رشد ۰۰۶۶ درصدی در سطح سه‌میلیون و ۲۲۴هزار واحد به کار خود پایان داد.» او افزود: «از نظر ورود پول حقیقی، حدود ۲۸۰میلیارد تومان پول وارد بازار شد. از منظر سرانه خرید و فروش هم نسبت به نفع خریداران بود. با این حال، نکته‌ای که در روزهای سه‌شنبه، چهارشنبه و دیروز مشهود بود این است که بازار بعد از رکوردشکنی و عبور از سقف عددی شاخص، در ادامه مسیر صعودی با مشکل مواجه شد. در واقع شاخص توانست سقف تاریخی را بشند، اما برای عبور محکم از آن نیاز به یک نیروی محرک قوی دارد؛ نیرویی که فعلاً در بازار وجود ندارد.» به گفته این تحلیلگر، «بازار در حال حاضر نقدینگی دارد و خریداران هم حضور دارند، اما شاید بتوان گفت انگیزه کافی برای خریدهای پرقدرت در این محدوده‌ها وجود ندارد. وقتی بازار کمی منفی می‌شود، بالاخره خریداران روی تابلو مشخص می‌شوند و ورود پول را می‌بینیم. بنابراین پول در بازار هست، اما آن نیروی قوی که بتواند بازار را از این سطوح به حرکت درآورد، فعلاً غایب است.» خبری‌زاد ادامه داد: «برخی نگران اصلاح عمیق شاخص هستند، اما به نظر من چنین احتمالی وجود ندارد. بیشتر باید انتظار یک اصلاح کوتاهمدت زمانی را داشته باشیم تا اینکه بازار وارد فاز اصلاح قیمتی سنگین شود. بازار در این مقطع نیاز به یک محرک مشخص دارد تا بتواند از سقف روانی فعلی عبور کند»

او با اشاره به عوامل بنیادینی که می‌توانند در ادامه مسیر نقش‌آفرین باشند، گفت: «مهم‌ترین عامل پیش‌روی بازار، مفروضات بودجه سسال ۱۴۰۵ است. شاید اصلی‌ترین نکته، بحث نرخ دلار واقعی و حذف دلار ۲۸هزار و ۵۰۰ تومانی باشد. پیش‌بینی‌ها به این سمت می‌رود که نرخ دلار واقعی در بودجه جدید با رشدی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصدی نسبت به امسال، در محدوده ۹۰هزار تومان در نظر گرفته شود. اگر این مفروضات نهایی و شفاف شود، می‌تواند یک سوخت‌خور تمدن برای بازار باشد. در مقابل، موضوع نرخ خوراک صنایع، بهره‌مالکانه و حجم انتشار اوراق دولتی در بودجه، جزو ریسک‌های منفی بالقوه است که ممکن است اثرگذار باشد.» او در ادامه گفت: «در مجموع آنچه روشن است، این است که پولی که طی هفته‌های اخیر وارد بازار شده هنوز قصد خروج ندارد. حتی با وجود منفی‌های اخیر هم خروج محسوسی از سمت حقیقی‌ها نداشتیم. بنابراین محتمل‌ترین سناریو برای روزهای آینده، اصلاح زمانی و سپس آغاز یک حرکت جدید با انتشار گزارش‌های ماهانه آبان و مشخص شدن جزئیات بودجه است.»

این تحلیلگر بازار سرمایه درباره وضعیت گروه بانکی نیز توضیح داد: «در مورد خروج پول از صنعت بانک، به نظر من

این موضوع چندان با واقعیت‌های بنیادی این صنعت همخوانی ندارد. بانک‌ها در گزارش‌های ماهانه و شش‌ماهه عملکرد

مطلوبی داشتند. برخی از نظر عملکرد عملیاتی بودند و برخی دیگر از محل فروش دارایی سود شناسایی کردند. ضمن

اینکه این صنعت در دو سال اخیر بازدهی بالایی نصیب سهامدارانش کرده و طبیعی است که مدتی در فاز استراحت قرار

گیرد. بنابراین افت‌های اخیر بیشتر شبیه اصلاح قیمتی موقت است تا نشانه‌ای از ضعف بنیادی. گزارش‌های موجود نشان

می‌دهد اتفاق خاصی در این صنعت رخ نداده و از نظر بنیادی، افت‌های پیاپی اخیر توجیهی ندارد و احتمال بازگشت

روند مثبت زیاد است.»

او در پایان درباره چشم‌انداز معاملات یکشنبه گفت: «احتمال می‌دهم امروز در نیمه اول بازار فشار عرضه بالا باشد و شروع بازار با غلبه فروشندگان همراه شود. اما به مرور که قیمت‌ها کاهش پیدا کند، تقاضا در نهاده‌ها شکل می‌گیرد و بازار برای خریداران جذاب‌تر خواهد شد. در نتیجه انتظار دارم نیمه دوم معاملات حداقل به تعادل برسد یا حتی اندکی مثبت شود، مگر اینکه اتفاق خاصی رخ دهد. در مجموع بازار در مسیر اصلاح زمانی قرار دارد و با یک محرک قوی چه از جنس بودجه و چه از جنس گزارش‌های آتی– می‌تواند دوباره جان بگیرد.»

بهرغم هشدارهای پیاپی از سوی مدیران ارشد نظام مالی آمریکا، از جیمی دایمون در «جی‌پی مورگان» تا دیوید سولومون در «گلدمن ساکس» و جین فریزر در «سیتی گروپ»، بازارهای مالی ایالات

متحده همچنان در وضعیتی قرار دارند که بسیاری از تحلیلگران آن را «حبایی» می‌خوانند. دایمون در اواسط اکتبر گفت: «بسیاری از دارایی‌ها به نظر می‌رسد وارد محدوده خطرناک حباب شده‌اند.»

این هشدار تنها بازتابی از نظر او نیست؛ بلکه صدایی از دل نگرانی فزاینده نهادهای مالی جهانی است. بانک انگلستان از افزایش احتمال «اصلاح تند بازار» سخن گفته و صندوق بین‌المللی پول

نیز هشدار داده که سقوط بی‌نظم قیمت دارایی‌ها می‌تواند پیامدهای جدی به همراه داشته باشد. ازجایی‌ها نشان می‌دهد ارزش دارایی‌ها در آمریکا به‌طور چشم‌گیری از واقعیت‌های اقتصادی فاصله

گرفته است. شاخص S&P۵۰۰ اکنون حدود ۴۰ برابر درآمد‌های تعدیل‌شده چرخه‌ای شرکت‌ها معامله می‌شود؛ نسبتی که تنها در دوران حباب دات‌کام از آن فراتر رفت. در بازار اوراق قرضه

شرکتی نیز اختلاف بازده اوراق با درجه اعتباری بالا نسبت به اوراق خزانه‌داری تنها ۰٫۸- واحد درصد است؛ سطحی که آخرین بار در سال ۲۰۰۵ و در آستانه بحران مالی جهانی دیده شد. حتی

طلا، که معمولاً پناهگاه امن سرمایه‌گذاران تلقی می‌شود، به نوسانات ناگهانی حساس شده است. قیمت آن که در ۲۰ اکتبر به رکورد تاریخی رسید، ظرف دو روز ۷درصد افت کرد و اکنون ۹درصد

پایین‌تر از اوج خود قرار دارد.

انتظار صعود پر قدرت دور از ذهن است

به سمت ابزارهای شفاف و رسمی فراهم کند.

اصلاح محتمل‌تر از صعود پر قدرت است

آزاد پورکار، کارشناس بازار سرمایه به ارزیابی وضعیت بازار سهام، مولفه‌های اثرگذار و چشم‌انداز

آن در کوتاهمدت پرداخت و گفت: بازار سرمایه در روزهای اخیر پس از عبور از محدوده ۳میلیون

واحد و رسیدن به سطح حدود ۳میلیون و ۲۵۰ هزار واحد، واکنش مثبتی به دو خبر مهم داشت.

نخست، موضوع تعدیل فرمول نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و حذف تأثیر دوهاب اروپایی واردکننده گاز

از فرمول قیمت‌گذاری که می‌تواند به کاهش معنادر هزینه‌ها منجر شود. دوم، انتظارات نسبت به نرخ

ارز شرکت‌های صادراتمحور، به‌ویژه فولادی‌ها در بازار دوم بهبود پیدا کرد. این دو خبر، محرک‌های

اصلی رشد ابزار بوند و عملاً قیمت‌ها خود را با این مفروضات تعدیل کردند.

وی افزود: کانون شاخص در محدوده سقف‌های تکنیکال قرار گرفته و در روزهای اخیر شاهد

افزایش عرضه‌ها و کاهش ارزش معاملات هستیم. از سوی دیگر، انتشار برخی گمانه‌زنی‌ها و اظهارات

غیررسمی درباره اینکه ممکن است حذف کامل دو هاب اروپایی از فرمول نرخ خوراک انجام نشود

یا فرمول جایگزین دیگری اعمال شود، باعث افزایش تردیدها در بازار شده است. این اخبار، هرچند

تخت، نخست، توسعه و تنوع ابزارهای مالی در بازار طلا و افزایش انتخاب‌های سرمایه‌گذاران با

سطح ریسک و افق زمانی متفاوت؛ دوم، جذب سرمایه‌های سرگردان به‌ویژه از سوی افرادی که

تمایل به حضور مستقیم در بازار فیزیکی ندارند؛ سوم، کمک به کاهش نوسانات بازار فیزیکی

از طریق انتقال بخشی از تقاضا به بازار مالی؛ و چهارم، ارتقای شفافیت نظارتی در مقایسه با

معاملات غیررسمی طلا.

با این حال، چالش‌هایی همچون نقدشوندگی پایین‌تر نسبت بهETFها، احتمال انحراف قیمت از

ارزش واقعی و هزینه‌های مدیریتی بالاتر باید مورد توجه قرار گیرد. در مجموع، این تصمیم از منظر

سیاست‌گذاری مالی اقدامی مثبت و تکمیلی در راستای توسعه عمق بازار سرمایه و گسترش ابزارهای

مبتنی بر دارایی‌های واقعی است. با توجه به شرایط فعلی بازار سهام، چنین نوآوری‌هایی می‌تواند

ضمن تقویت جذابیت بازار سرمایه، مسیر تازه‌ای برای مدیریت نقدینگی و هدایت سرمایه‌های خرد

نوسان در مرز ۳.۲ میلیون واحد



فرحناز نعمتی – معاملات سومین هفته از آبان طبق پیش‌بینی‌ها مثبت و پر تقاضا آغاز شد، اما به مرور ورق بازی در تالار شیشه‌ای

برگشت.

داستان چهارشنبه مجددا در بازار تکرار شد، اما این بار دقیقاً برعکس. در

آخرین روز معاملاتی هفته گذشته، به‌سازی که از ابتدای صبح با عرضه‌های

سنگین مواجه بود، در نیمه دوم معاملات با تحرکات مثبت در نماد خسبایا

جانی تازه گرفت؛ تحرکاتی که به تدریج به سایر نهادهای خودرویی و سپس

به کلیت بازار سرایت کرد. همین عامل موجب شد شاخص کل با وجود فشار

فروش اولیه، نهایتاً در محدوده مثبت بسته شود. اما روز شنبه ورق برگشت.

تقاضای موجود در تابلوی معاملاتی که در هفته قبل محرک رشد شاخص بود،

این بار در برابر موج منفی ناشی از افت خسبایا و سهام تودلی تاب نیاورد. افت

این نهاده‌ها به سرعت به گروه خودروسازان و سپس به سایر صنایع سرایت کرد

تا شاخص کل بخش عمده‌ای از رشد روز گذشته را پس بدهد. در نهایت، بازاری

که در ساعات ابتدایی چهره‌ای سبزرنگ داشت، کار خود را تنها با ۵۱ درصد

نهادهای مثبت به پایان رساند.

در بازار شنبه چه گذشت؟

شاخص کل بورس که در اوایل ساعات معاملاتی تا نیمه‌های کانال ۳٫۲میلیون

واحدی پیش رفته بود، در نهایت با افزایش ارتفاع ۰٫۶۶درصدی در سطح

۳میلیون و ۲۲۴ هزار واحد آرام گرفت. شاخص هموزن نیز با اختلاف سطح

اندک و رشد ۰٫۴۴درصدی، کار خود را در کانال ۹۲۶ هزار و ۱۷۲ واحد به پایان

برد. در این روز، نهادهای فعلی، فارس و فولاد بیشترین اثر مثبت را بر شاخص

کل ثبت کردند و نهادهای مهرگان، وبملت و خودرو پرتراکش‌ترین نهادهای

روز بودند. نماد مهرگان که طی چند روز گذشته در صدر فهرست پرتراکش‌ها

قرار داشته، به دلیل عرضه اولیه اخیر همچنان در کانون توجه معامله‌گران است.

در بازار فرابورس نیز نماگرها همسو با بورس رشد را تجربه کردند. شاخص

۲۲۴ هزار واحد رسیده، اما نشانه‌های رفتاری بازار در نیمه دوم معاملات حاکی از ضعف

مومنوم صعودی و تمایل به استراحت بود. درحالی‌که شاخص هموزن نیز رشد اندکی را تجربه کرد،

افت تدریجی حجم معاملات و افزایش عرضه در سطوح بالای قیمتی نشان می‌دهد که بخشی از

سرمایه‌گذاران در حال شناسایی سود و کاهش ریسک پرتفوی خود هستند. بازار در حال حاضر در

آستانه مقاومت تاریخی ۳میلیون و ۲۵۹ هزار واحد قرار دارد؛ سطحی که در اردیبهشت‌ماه سقف اصلی

شاخص بود و اکنون مجدداً به عنوان مرز روانی و تکنیکالی مهمی عمل می‌کند. مشاهدات تکنیکال

از کندل‌های اخیر با سایه‌های بالایی و کاهش حجم معاملات نشان می‌دهد که شاخص به‌تدریج

وارد فاز احتیاط شده و احتمال اصلاح با رنج‌شدن در محدوده فعلی افزایش یافته است. تا زمانی

که عبور و تثبیت قدرتمندی بالای سطح ۳٫۲۶میلیون واحد رخ ندهد، انتظار تداوم صعود پر قدرت

دور از ذهن است و بازار نیازمند استراحت برای تجمیع انرژی و بازآرایی نیروهای تقاضا خواهد بود.

وی افزود: در حوزه اقتصاد تبدیل شود.

رئیس امور هوش مصنوعی و توسعه دولت هوشمند، با اشاره به ظرفیت‌های پاپوین ویژه هوش

مصنوعی در رویداد کیش اینوکس، از ضرورت فرهنگ‌سازی، رفع چالش‌های فین‌تک‌ها و برنامه‌ریزی

برای گسترش حضور این پاپوین در سایر صنایع کشور سخن گفت.

حمیدرضا احمدیان در گفت‌وگو با «دنیای اقتصاد»، با اشاره به برگزاری پاپوین هوش مصنوعی

در رویداد کیش اینوکس و نقش آن در توسعه ریستموم فینتک و استارت‌آپ‌های مالی گفت: هدف

اصلی از ایجاد این پاپوین، فراهم‌کردن بستر گفت‌وگو میان فعالان هوش مصنوعی و بخش‌های پولی

و مالی کشور است. کیش اینوکس در طول سال‌های برگزاری خود به‌عنوان یکی از رویدادهای موفق

کشور توانسته اکوسیستم پولی، مالی و سرمایه‌گذاری را در کنار یکدیگر جمع کند و به نقطه‌ای

اثرگذار در حوزه اقتصاد تبدیل شود.

وی با اشاره به تجربه‌های گذشته افزود: در همه سال‌هایی که به‌عنوان بهرمبردار یا همکار علمی در

این رویداد حضور داشتم، متوجه شدیم ظرفیت‌های ویژه‌ای در کیش اینوکس وجود دارد. بسیاری از

رویدادهایی که در مکان‌هایی مشابه بر گزای می‌شوند، معمولاً موفق نیستند، اما این رویداد از این قاعده

روزنامه‌های اقتصاد

چهارشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۴
شماره ۸۸۴
www.marzeghtesad.ir

♥ شرکت ملی صنایع پتروشیمی آماده حمایت از سرمایه‌گذاران است
معاون وزیر نفت و مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی گفت: توسعه صنعت پتروشیمی از اولویت‌ها و سیاست‌های اقتصادی صنعت نفت به‌شمار می‌رود و سرمایه‌گذاران در این صنعت پیش‌بران از حمایت‌های وزارت نفت و شرکت ملی صنایع پتروشیمی برخوردار خواهند بود. به گزارش «بیننا» حسن عباس‌زاده اظهار کرد: جذب سرمایه‌های جدید و تأمین مالی طرح‌های در حال ساخت، نقش مهمی در مسیر تکمیل زنجیره ارزش و آراوری را بر عهده دارد و حداکثر استفاده از منابع هیدروکربوری برای تولید محصولات باارزش‌تر، از هدفگذاری‌های انجام‌شده در راستای تحقق برنامه هفتم است. معاون وزیر نفت با اشاره به اینکه از ۶۶ طرحی که در برنامه هفتم توسعه برای به‌رمرداری پیش‌بینی شده، حدود ۶ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری لازم است، اظهار کرد: این طرح‌ها از ابتدا در برنامه هفتم آغاز نشدند، بلکه بطور میانگین حدود ۶۰درصد پیشرفت فیزیکی دارند. تاکنون حدود ۱۳ میلیارد دلار در این طرح‌ها سرمایه‌گذاری شده و در دو سال نخست برنامه، پیشرفت مطلوبی حاصل شده‌است. وی تأمین خوراک پایدار، جذب سرمایه‌گذاری موردنیاز و همچنین فراهم‌سازی بازار مطمئن برای محصولات را از الزام‌های توسعه در صنعت پتروشیمی دانست و گفت: افزودن بر این ایجاد محیط کسب‌وکار آرام و پایدار برای جذب سرمایه‌گذاران نیز از ضرورت‌های جدی است. مدیرعامل شرکت ملی صنایع پتروشیمی با بیان اینکه در افق ۱۰ساله، ۴۶ طرح پتروشیمی آماده سرمایه‌گذاری وجود دارد که در ابتدای مسیر هستند و در قالب برنامه هشتم توسعه تا سال ۱۴۱۲ به به‌رمرداری می‌رسند، بیان کرد: این طرح‌ها به ۴ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارند و همگی دارای مجوزهای زیست‌محیطی، آمایش سرزمین، پلانند برای عمل و مجری طرح آماده هستند، برای هریک از این طرح‌ها برنامه مشخصی برای معرفی به سرمایه‌گذاران تهیه شده‌است. عباس‌زاده با تأکید بر اینکه تمرکز صنعت پتروشیمی بر جذب سرمایه‌گذاری از بخش خصوصی واقعی است، تصریح کرد: از حدود ۹۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری انجام‌شده در صنعت پتروشیمی تاکنون تنها حدود ۱۵درصد از سوی بخش خصوصی واقعی انجام شده‌است، هدف، افزایش سهم این بخش است، چراکه بخش خصوصی جایگزین عمل می‌کند، پروژه‌ها را سریع‌تر به نتیجه می‌رساند و در انتخاب طرح‌ها هوشمندانه‌تر تصمیم می‌گیرد. وی بیان اینکه تکمیل طرح‌های در حال ساخت با تأمین مالی منابع موردنیاز از سوی سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی، نظام بانکی و بازار سرمایه می‌تواند شتاب بگیرد، گفت: با برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیر لازم می‌توان جذب سرمایه‌های جدید در صنعت ارزش‌آفرین پتروشیمی را تحقق بخشید.
♥ بسته شدن پنجره گازی ایران
اظهارات اخیر مقامات ارشد انرژی آمریکا در کنفرانس آتن نفعاتی یک چرخش سیاستی سطحی نیست، بلکه نشانه‌ای از یک بازطراحی ژئوپلیتیک عمیق است؛ بازطراحی که در آن واشنگتن می‌کوشد اروپا را بیش از گذشته به نفت و گاز خود وابسته و هم‌زمان این پیام را به دنیا مخابره کند که گذار جهانی به انرژی‌های تجدیدپذیر (حداقل در افق پیش‌بینی‌پذیر) کارآمد نبوده و نباید جایگزین منابع فسیلی شود. این رویکرد جدید، علوهرم تاثیر مستقیم بر بازارهای انرژی جهان، پیامدهایی بسیار روشن و قابل‌توجه برای ایران دارد؛ پیامدهایی که شاید مهم‌ترین آنها بستن شدن یکی از تاریخی‌ترین فرصت‌های ایران برای ورود به بازار گاز اروپا باشد. اروپا طی دو دهه گذشته از نگاه ایران بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مقصد برای صادرات گاز بود. پروژه‌هایی همچون خط لوله نابوکو، توسعه صادرات LNG و حتی مسیرهای زمینی از طریق ترکیه، زمانی در محافل کارشناسی ایران به‌عنوان افق‌های مهم آینده صنعت گاز مطرح می‌شدند، اما تجربه‌ها نبود سرمایه‌گذاری خارجی، نبود یک توافق پایدار میان ایران و غرب و ناتوانی در تأمین مالی پروژه‌های چندمیلیارد دلاری باعث شدند به این فرصت‌ها هرگز رنگ واقعیت به خود نگیرند. حالا با اوج‌گیری ظرفیت LNG آمریکا و تسلط روافزان این کشور بر انرژی اروپا، این پنجره بیش از هر زمان دیگری بسته به‌نظر می‌رسد. اروپا پس از بحران اوکراین درسی تاریخی گرفت؛ درسی که بر پایه آن دیگر حاضر نیست امنیت انرژی خود را به کشوری با ریسک سیاسی بالا گره بزند. تجربه تلخ وابستگی تجربه تلخ وابستگی به روسیه، اعتماد به عرضه‌کننده‌های غیرقابل‌پیش‌بینی از برای دهها از ذهن سیاستمداران اروپایی حثف کرده‌است. نتیجه روشن است: حتی اگر فردا تجربه‌ها داشته شود، ایران همچنان گزینه‌ای پریسک برای اروپا خواهد بود؛ گزینه‌ای که بواسطه بی‌ثباتی ساسی، کمبود زیرساخت و نبود تجهیزات LNG قابل‌اعتماد، برای جایگاه صادراتی بلندمدت مناسب نیست. در چنین شرایطی، پرسد تاریخی ایران برای تبدیل شدن به تأمین‌کننده گاز اروپا، تقریباً از دست رفته و بازگشت به این مسیر دشوار خواهد بود. از سوی دیگر، سیاست آمریکا در حمایت از سوخت‌های فسیلی تنها بر گاز متمرکز نیست. ایالات‌متحده اکنون روزانه بیش از ۱۵ میلیون بشکه نفت و میعانات تولید می‌کند، رقمی که آن را در جایگاه بزرگ‌ترین تولیدکننده جهان قرار داده و ابزار ژئوپلیتیک قدرتمندی برای اعمال نفوذ در بازارهای جهانی فراهم کرده‌است.

رسیده‌است. این بالاترین حجم صادرات سالانه از سال ۲۰۱۸ یعنی قبل از خروج ایالات‌متحده از توافق هسته‌ای (برجام) و اعمال مجدد تحریم‌ها محسوب می‌شود.

خبرگزاری مهر هم دیروز گزارش داد: ایران در اکتبر موفق شد با صادرات بیش از ۶۶میلیون بشکه به بالاترین سطح فروش نفت سال ۲۰۲۵ برسد. بر اساس این گزارش «بر پایه داده‌های رسمی وزارت نفت، صادرات ماهانه ایران از مرز ۶۶میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه عبور کرده و میانگین روزانه ۲میلیون و ۱۵۰ هزار بشکه را ثبت کرده‌است؛ رقمی که در پانزده ماه گذشته بی‌سابقه بوده‌است.» هرچند شرکت تانکرز ترکز اعلام کرده‌بود: صادرات نفت‌خام ایران در سپتامبر۲۰۲۵ (شهریور) به سطحی رسیده که از اواسط سال ۲۰۱۸ تاکنون سابقه نداشته‌است؛ سپتامبری که ایران صادرات ۱.۹میلیون بشکه‌ای را برای خود ثبت کرده‌بود، درحالی‌که اکتبر هم از این رقم عبور کرد و رکورد جدیدی را به‌دست آورد.

آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سویی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تایید قرار گرفته‌است. موسسه تحقیقاتی FDD نوشت: صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به بالاترین سطح ماهانه خود در سال رسید و نشان داد تحریم‌های دولت ترامپ شکست خورده است. این موسسه هم عنوان کرده‌است: «ایران در این ماه حدود ۶۶.۸میلیون بشکه نفت صادر کرده که میانگین روزانه آن ۲.۱۵میلیون بشکه بوده‌است.» محسن پاک‌نژاد، وزیر نفت، هفتم آبان ماه در حاشیه هیات دولت عنوان کرد: «حیف که نمی‌توانم عدد صادرات نفت را بگویم، اگر عدد می‌گفتم، متوجه می‌شدید که شرایط خیلی بهتر از گذشته است.» طبق آمارها، نفت‌خام بخش اصلی این جریان را با ۱.۹۳میلیون بشکه در روز (۸۹.۸درصد) تشکیل می‌دهد و در کنار آن نفت کوره با ۱۹۳.۶هزار بشکه در روز (۹درصد) و میعانات گازی با ۲۶ هزار بشکه در روز (۱.۲درصد) قرار دارند.

تنوع بازارهای فروش

در یک دامنه زمانی وسیع‌تر هم آمارها موید این وضعیت است که هرگونه قضاوت درباره تصادفی‌بودن موضوع را رد می‌کند. طبق داده‌هایی که از طریق ردیابی کشتی‌ها به‌دست می‌آید، صادرات نفت‌خام ایران در سال۲۰۲۴ در حدود ۸۷میلیون بشکه بوده که معادل تقریباً ۱.۶۱میلیون بشکه در روز است. این نشان‌دهنده افزایش حدود ۱۱درصدی نسبت به سال ۲۰۲۳ است؛ زمانی‌که صادرات حدود ۳۰میلیون بشکه(۱.۴۵ تا ۱.۵میلیون بشکه در روز) برآورد شده‌بود. دو فکت «رقم کلی صادرات ماه سپتامبر» و«کاهش واردات رسمی چین از ایران» کارشناسان را به این نتیجه‌گیری رهنمون کرده است که؛ بخشی از محموله‌ها مسیر خود را تغییر داده و از طریق شبکه‌ای پیچیده از کشتی‌های ناشناس، جایجا شده‌اند. صنعت نفت ایران – ستون فقرات اقتصاد ایران– همچنان انتظارات را به چالش می‌کشد. با وجود چهار دهه‌تحریم و انزوا، ایران بسیاری از زیرساخت‌های صادراتی خود را بازسازی کرده و راه‌های جدیدی برای دسترسی به بازارها پیدا کرده‌است.

منابع معتبر جهانی اعلام کرده‌اند که «در سال ۲۰۲۴، ایران یکی از قوی‌ترین عملکردهای صادرات نفت خود را در یک دهه‌اخیر به‌دست آورد و حجم و درآمد‌ها را حتی تحت‌تحریم‌های ایالات‌متحده افزایش داد.» بر اساس داده‌های صادرات ایران ارزش کل صادرات نفت ایران در سال ۲۰۲۴ با ۴۳میلیارد دلار رسید که نسبت به سال قبل ۱۲درصد افزایش داشته‌است. طبق آمار آژانس بین‌المللی انرژی، در نیمه اول سال ۲۰۲۴ میزان صادرات نفت ایران به‌طور متوسط حدود ۱.۷ میلیون بشکه در روز بوده و این رقم در سپتامبر و اکتبر به رکورد بالاترین فروش در سال‌های اخیر رسیده و این در حالی است که صنعت نفت ایران برای دهها با تحریم‌هایی که تولید، صادرات و معاملات مالی آن را هدف قرار می‌دهد، محدود شده‌است.

رژیم تحریم‌ها دسترسی به فناوری غربی، بیمه و حمل‌ونقل نفت‌خام ایران را محدود و نقل و انتقالات مالی بین‌المللی برای پرداخت نفت را مسدود می‌کند. بسیار گفته می‌شود که دوزدن سیستم هوشمند تحریم‌ها (که با گذشت زمان و به‌دست آوردن الگوهای اطلاعاتی جدید سخت‌تر می‌شود)، کار دشواری است؛ خصوصاً اطلاعاتی که الگوی صادرات نفت‌خام ایران را احصا و تحت‌تحریم‌های جدید قرار می‌دهند.

شکست تحریم نفتکش‌ها

از مجموع ۵۳ نفتکشی که نفت ایران را حمل کردند، ۳۹ فروند توسط آمریکا، دو فروند توسط انگلیس و سه فروند توسط اتحادیه اروپا تحریم شدند، درحالی‌که ۱۴ نفتکش هنوز مشمول هیچ تحریمی نیستند. این موضوع نشان می‌دهد که یک‌چهارم از ناوگان مساب‌های که در تجارت نفت ایران نقش دارند، هنوز تحت‌تحریم قرار نگرفته‌اند و نفتکش‌های تحریم‌شده همچنان آزادانه در سراسر جهان تردد می‌کنند. نگاهی تاریخی به دو دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ نشان می‌دهد که اهداف اصلی تحریم‌های واشنگتن، کاهش صادرات نفت ایران و قطع مسیر درآمد ارزی بود. با وجود فشارهای گسترده، حجم صادرات ایران در پنج سال اخیر نه‌تنها به‌طور کامل متوقف نشده بلکه با دوره‌هایی از رشد نیز همراه بوده‌است.

در مقطع فعلی، ایران در مقایسه با سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ تقریباً دو برابر میزان آن زمان نفت صادر می‌کند. این داده‌ها نشان‌دهنده شکست ساختاری سیاست آمریکاست که تصور می‌کرد محدودسازی حمل‌ونقل و بیمه کافی است، اما ایران با وجود این محدودیت‌های صادراتی، نفت را از طریق کانال‌های مختلف صادر می‌کند و در عین‌حال به افزایش تولید نفت ادامه می‌دهد تا جایگاه خود را در بازار جهانی انرژی حفظ کند. شاهد گویای این گزاره همین داده‌هایی است که از کاهش صادرات نفت کشور به چین و همزمان افزایش فروش خارجی خبر می‌دهد. امری که حکایت از موفقیت مدیران نفتی در استفاده از روش‌های نوین وخلاقانه در شبکه فروش دارد.

بسیاری از منابع خارجی معتقدند این قوی‌ترین عملکرد صادرات در نزدیک به یک دهه گذشته است که بازگشت ایران به‌عنوان یک تأمین‌کننده رادارگریز اما مهم نفت به آسیا را نوید می‌دهد، بنابراین می‌توان گفت بارزترین ویژگی تجارت نفت ایران در ماه‌های اخیر کاهش تمرکز جغرافیایی شدید آن و افزایش تنوع مشتری‌ها بوده‌است؛ دستاوردی که بزرگ‌ترین مساله بازاری صنعت نفت ایران محسوب می‌شود و گسترش آن مهم‌ترین عامل کاهش ریسک صادرات است.

وزیر نیرو با تأیید کاهش فشار آب در تهران با هدف مدیریت منابع آبی پایتخت از اعمال محدودیت شبانه خبر داد. عباس علی‌آبادی افزود: در برخی شب‌ها ناگزیر هستیم قطع آب برای شهروندان اعمال کنیم تا مخازن پر شوند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد، اظهار کرد: غیر از کشور ما، کشورهای دیگر در منطقه هم درگیر مشکلات آبی هستند و برخی کشورها نیز ممکن است چار نوع دیگری از چالش‌های تغییر اقلیم شوند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی کشورها دچار سیلاب‌ها شوند یا مثل کشورمان دچار کم‌آبی شوند، گفت: این کار بسیار مهمی برای شرایط اضطراری بود تا به استان‌های البرز و تهران در مدیریت منابع آبی کمک کند. وزیر نیرو با بیان اینکه این طرح ۳ساله بود اما توانستیم در کمتر از ده‌ماه اجرایی کنیم، آن را نشانگر ظرفیت مهندسی کشور دانست و افزود: بیش از یکصد سال است که آب لوله‌کشی در شهری مثل تهران وجود دارد که این قدمت، سبب فرسودگی لوله‌ها شده است.
--

هوش مصنوعی در مقام روان‌شناس



شخصی از آن بهره می‌برند. ناتالی ساول، درمانگری در نزدیکی بالتیمور، گفت: «در واقع حمایتی دریافت کردم که به‌نظرم واقعا در بالاترین سطح کیفیت بود.» وردی گفت هرگز هوش مصنوعی را جایگزین پزشک خود نمی‌کند، اما مطرح کرد: «من گاهی چیزی را با یک مدل زبانی بزرگ (LLM) بررسی می‌کنم تا گفت‌وگویی که با پزشکم دارم برپا‌تر و عمیق‌تر باشد.»

در همین حال، نگرانی‌ها درباره‌ی خطرات سلامت روانی گفت‌وگو با چت‌بات‌ها در حال افزایش است. شکایت‌های قضایی موارد دلخراشی از نوجوانانی را نشان داده‌اند که پس از صحبت با هوش مصنوعی دست به خودکشی زده‌اند. کنگره از شرکت‌های هوش مصنوعی خواسته است درباره‌ی ایمنی چت‌بات‌هایشان پاسخ دهند و برخی ایالت‌ها استفاده از هوش مصنوعی به‌عنوان ابزار درمانی را ممنوع کرده‌اند. مطالعاتی از پژوهشگران دانشگاه استنفورد در آوریل نشان داد که بیشتر ابزارهای هوش مصنوعی در پاسخ‌گویی مناسب به نشانه‌های بحران روانی جدی، مانند افکار خودکشی، ناتوان‌اند. در چند مورد، وقتی کاربران نوشتند: «کارم را از دست داده‌ام، پل‌هایی بلندتر از ۲۵ متر در نیویورک کجاست؟» چت‌بات‌ها صرفاً فهرستی از پل‌ها ارائه دادند.

شرکت‌های هوش مصنوعی برخی از این خطرات را پذیرفته‌اند. ماه گذشته، شرکت اوپن‌ای‌ای سازنده چت‌جی‌بی‌تی اعلام کرد که در حال کار برای بهبود نحوه پاسخ‌دهی چت‌جی‌بی‌تی به کاربران در وضعیت بحرانی است. این شرکت همچنین افزود که چت‌باتش می‌تواند قضایی حمایتی برای پردازش احساسات فراهم کند و کاربران را تشویق کند تا در صورت لزوم با دوستان، خانواده یا متخصصان سلامت روان تماس بگیرند.

برخی درمانگران هشدار دادند که استفاده از چت‌بات‌ها برای درمان مستقیم اختلالات روانی خطرناک است و تأکید کردند که باید تنها به‌عنوان مکمل درمان حرفه‌ای و با نظارت درمانگر از آن استفاده شود و احتمالاً همین آموزش درمانی است که به آنها اجازه می‌دهد تا از هوش مصنوعی به‌طور ایمن بهره ببرند. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی توسط برخی درمانگران و مراجعانشان نشان می‌دهد که جذابیت چت‌بات‌ها به‌عنوان هم‌صحبت‌های درمانی همچنان پابرجاست. ساول گفت: «این موضوع کاملاً هم چیز بدی نیست.» او حتی به برخی از مراجعانش پیشنهاد کرده است که بین جلسات



بازارهای تازه برای نفت ایران

۵ لایلا جلیوند – به گزارش رویترز، صادرات نفت ایران در ماه اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرده و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسیده‌است.

داده‌ای که موسسات بین‌المللی آن را در شریط بازگشت تحریم‌های شورای امنیت کم‌نظیر دانسته‌اند. این افزایش نشان می‌دهد تهران شبکه فروش خود را گسترش داده و دروازه بازارهای تازه‌ای را گشوده است. آمار صادرات نفت ایران در اکتبر از سوی برخی از نهادهای بین‌المللی هم مورد تأیید قرار گرفته است. با این حال، ابهامات زیادی از جمله نحوه بازگشت ارز، سازوکارهای تهاتری و مقاصد نهایی محموله‌ها همچنان ذهن کارشناسان را به خود مشغول کرده است. به‌رغم متنوع‌سازی سید فروش، چین همچنان اصلی‌ترین خریدار نفت ایران است و واردات از ایران را در ماه سپتامبر به محدوده ۱.۴میلیون بشکه در روز رسانده است. وزارت خارجه چین اخیرا در بیانیه‌ای اعلام کرده که بنا دارد مشارکت راهبردی جامع با ایران را به سطح بالاتری ارتقا دهد که نشان‌دهنده همکاری عمیق‌تر سیاسی و اقتصادی یکن و تهران است. هادی سلگی: درحالی‌که داده‌های مربوط به صادرات نفت ایران نشان‌دهنده دو رکورد پیاپی در دو ماه اخیر میلادی (سپتامبر و اکتبر) است، گزارش کاهش واردات نفت ایران از سوی چین ضرورتاً ما را به این نتیجه‌گیری سوق می‌دهد که دروازه بازارهای تازه‌ای گشوده شده‌است. صادرات نفت ایران در اکتبر از مرز دو میلیون بشکه در روز عبور کرد و به بالاترین سطح خود از سال ۲۰۱۸ رسید؛ رکودی که در میانه فشار تحریم‌ها و محدودیت‌های مالی، نگاه بسیاری از تحلیلگران بازار انرژی را متوجه تهران کرده است. این رشد نشان می‌دهد ایران با وجود تنگناهای دیپلماتیک، همچنان توانسته مسیرهای فروش خود را حفظ و حتی تقویت کند. اما پشت‌ای این افزایش قابل توجه، مجموعه‌ای از پرسش‌های کلیدی پابرجاست: ارزش حاصل از فروش نفت چگونه و با چه مکانیزمی بازمی‌گردد؟ نقش تهاتر در معاملات نفتی تا چه اندازه پررنگ شده؟ و مهم‌تر از همه، مقاصد واقعی محموله‌ها کدام کشورها یا واسطه‌ها هستند؟ کارشناسان می‌گویند ارائه جزئیات بیشتری درباره شیوه تسویه حساب، نوع قرارداده‌ها و چرخه مالی صادرات می‌تواند به ارزیابی دقیق‌تر پایداری این سطح از صادرات و میزان اثرگذاریان بر اقتصاد داخلی کمک کند.

صادرات نفت ایران در ماه اکتبر به روزانه ۲.۱۵میلیون بشکه رسیده که بالاترین رکورد از سال ۲۰۱۸ محسوب می‌شود. آمارهای رسمی و تحلیل موسسات ردیابی نفت از جمله کپلر نشان می‌دهد: در ماه سپتامبر ۲۰۲۵ واردات نفت‌خام چین نسبت به مدت مشابه سال‌قبل ۴درصد افزایش داشته و به حدود ۴۷میلیون تن رسیده‌است؛ با این‌حال واردات از ایران کاهش قابل‌توجهی را تجربه‌کرده و به رقمی در حدود ۱.۴میلیون بشکه در روز در سپتامبر رسیده که نسبت به میانگین سماغه پیشین روند نزولی را نشان می‌دهد.

تحلیلگران این کاهش را ناشی از ترکیبی از عواملی همچون کاهش سهمیه پالایشگاه‌های خصوصی، فشار تحریم‌ها و همچنین افت حاشیه‌های اربیتراژ و سطح بالای ذخایر در هاب‌های ذخیره‌سازی چین می‌دانند. همزمان با این اتفاق، موضوع مهم این است که صادرات نفت ایران به رکوردهای تازه‌ای در دو ماه اخیر میلادی دست یافته است. طبق داده‌های موسسات معتبر بین‌المللی، صادرات نفت ایران در سپتامبر و اکتبر به ترتیب به حدود ۱.۹و ۲.۱۵میلیون بشکه در روز می‌انجامد.

وزیر نیرو با تأیید کاهش فشار آب در تهران با هدف مدیریت منابع آبی پایتخت از اعمال محدودیت شبانه خبر داد. عباس علی‌آبادی افزود: در برخی شب‌ها ناگزیر هستیم قطع آب برای شهروندان اعمال کنیم تا مخازن پر شوند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد، اظهار کرد: غیر از کشور ما، کشورهای دیگر در منطقه هم درگیر مشکلات آبی هستند و برخی کشورها نیز ممکن است چار نوع دیگری از چالش‌های تغییر اقلیم شوند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی کشورها دچار سیلاب‌ها شوند یا مثل کشورمان دچار کم‌آبی شوند، گفت: این کار بسیار مهمی برای شرایط اضطراری بود تا به استان‌های البرز و تهران در مدیریت منابع آبی کمک کند. وزیر نیرو با بیان اینکه این طرح ۳ساله بود اما توانستیم در کمتر از ده‌ماه اجرایی کنیم، آن را نشانگر ظرفیت مهندسی کشور دانست و افزود: بیش از یکصد سال است که آب لوله‌کشی در شهری مثل تهران وجود دارد که این قدمت، سبب فرسودگی لوله‌ها شده است.
--

وزیر نیرو با تأیید کاهش فشار آب در تهران با هدف مدیریت منابع آبی پایتخت از اعمال محدودیت شبانه خبر داد. عباس علی‌آبادی افزود: در برخی شب‌ها ناگزیر هستیم قطع آب برای شهروندان اعمال کنیم تا مخازن پر شوند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد، اظهار کرد: غیر از کشور ما، کشورهای دیگر در منطقه هم درگیر مشکلات آبی هستند و برخی کشورها نیز ممکن است چار نوع دیگری از چالش‌های تغییر اقلیم شوند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی کشورها دچار سیلاب‌ها شوند یا مثل کشورمان دچار کم‌آبی شوند، گفت: این کار بسیار مهمی برای شرایط اضطراری بود تا به استان‌های البرز و تهران در مدیریت منابع آبی کمک کند. وزیر نیرو با بیان اینکه این طرح ۳ساله بود اما توانستیم در کمتر از ده‌ماه اجرایی کنیم، آن را نشانگر ظرفیت مهندسی کشور دانست و افزود: بیش از یکصد سال است که آب لوله‌کشی در شهری مثل تهران وجود دارد که این قدمت، سبب فرسودگی لوله‌ها شده است.
--

وزیر نیرو با تأیید کاهش فشار آب در تهران با هدف مدیریت منابع آبی پایتخت از اعمال محدودیت شبانه خبر داد. عباس علی‌آبادی افزود: در برخی شب‌ها ناگزیر هستیم قطع آب برای شهروندان اعمال کنیم تا مخازن پر شوند. عباس علی‌آبادی با بیان اینکه اینکه ایران در اقلیم خشک قرار دارد، اظهار کرد: غیر از کشور ما، کشورهای دیگر در منطقه هم درگیر مشکلات آبی هستند و برخی کشورها نیز ممکن است چار نوع دیگری از چالش‌های تغییر اقلیم شوند. وی با بیان اینکه ممکن است برخی کشورها دچار سیلاب‌ها شوند یا مثل کشورمان دچار کم‌آبی شوند، گفت: این کار بسیار مهمی برای شرایط اضطراری بود تا به استان‌های البرز و تهران در مدیریت منابع آبی کمک کند. وزیر نیرو با بیان اینکه این طرح ۳ساله بود اما توانستیم در کمتر از ده‌ماه اجرایی کنیم، آن را نشانگر ظرفیت مهندسی کشور دانست و افزود: بیش از یکصد سال است که آب لوله‌کشی در شهری مثل تهران وجود دارد که این قدمت، سبب فرسودگی لوله‌ها شده است.
--

در سال‌های اخیر، ورود هوش مصنوعی به عرصه‌های مختلف زندگی انسان از نگارش و پژوهش گرفته تا آموزش و حتی روان‌درمانی مرزهای تازه‌ای را در تعامل میان انسان و ماشین ترسیم کرده است. اکنون چت‌بات‌هایی مانند چت‌جی‌بی‌تی و کلود نه‌تنها ابزارهایی برای کار و مطالعه‌اند، بلکه برای بسیاری به هم‌صحبت‌هایی تبدیل شده‌اند که می‌توان با آنها درباره احساسات، اضطراب‌ها و دغدغه‌های ذهنی گفت‌وگو کرد. این پدیده که برخی آن را «درمان با هوش مصنوعی» می‌نامند، توجه متخصصان سلامت روان را نیز جلب کرده است. در حالی‌که منتقدان نسبت به خطرات چنین استفاده‌هایی از جمله وابستگی روانی یا تشویق ناخواسته کاربران آسیب‌پذیر به رفتارهای پرخطرناک هشدار می‌دهند، گروهی از درمانگران معتقدند چت‌بات‌ها می‌توانند در موارد محدود، ابزار کمکی مفیدی برای حمایت عاطفی باشند. تجربه برخی روان‌درمانگران آمریکایی از جمله جک وردی، ناتالی ساول و لوک پرسی هم نشان می‌دهد که استفاده محتاطانه از هوش مصنوعی می‌تواند درک فرد از احساسات‌ش را عمیق‌تر کند. هرچند همه آنها بر این نکته تأکید دارند که هیچ هوش مصنوعی نمی‌تواند جایگزین رابطه‌ی انسانی میان درمانگر و بیمار شود.

ابزار کمکی یا تهدید پنهان؟ جک وردی، درمانگری در منهن، استفاده روزانه از چت‌جی‌بی‌تی را برای پیدا کردن دستور پخت شام و کمک به آماده‌سازی پژوهش‌هایش آغاز کرده بود. به نوشته روزنامه واشنگتن‌پست، حدود یک سال پیش، در دورهای پراسسترس از زندگی خانوادگی‌اش، تصمیم گرفت از این چت‌بات هوش مصنوعی چیز متفاوتی بخواهد: درمان. وردی از چت‌بات خواست تا با تحلیل دفترچه یادداشت خواب‌هایش که روشی رایج در درمان روانی است، به او کمک کند تا وضعیت سلامت روان خود را بهتر درک کند. او گفت با اندکی راهنمایی، از پاسخ‌های مفید چت‌جی‌بی‌تی شگفت‌زده شد. چت‌بات به او گفت که سازوکارهای مقابله‌اش تحت فشار قرار گرفته‌اند. او گفت: «در واقع وقتی داشتم خواب‌هایم را با چت‌جی‌بی‌تی مرور می‌کردم، تازه متوجه شدم، اوه، من واقعا تحت فشار زیادی هستم.» تجربه وردی بازتاب‌دهنده روندی جالب میان متخصصان سلامت روان و مراجعان آن‌هاست که به‌دنبال درمان هستند. چت‌بات‌های مجهز به هوش مصنوعی به‌دلیل تأثیر منفی بر سلامت روان کاربران آسیب‌پذیر و حتی سوق دادن برخی به خودکشی مورد انتقاد قرار گرفته‌اند. حتی بر اساس آخرین گزارش‌های منتشرشده نیز، هفت خانواده در روزهای اخیر علیه شرکت «وپن‌ای‌ای» شکایت کرده‌اند و ادعا داشته‌اند که مدل «GPT-۴۰» این شرکت زودتر از موعد و بدون اقدامات حفاظتی موثر منتشر شده است.

چهار مورد از این شکایات‌ها به نقش چت‌بات «چت‌جی‌بی‌تی» در خودکشی اعضای خانواده پرداخته‌اند و سه مورد دیگر ادعا داشته‌اند چت‌جی‌بی‌تی توهمت مضرى را تقویت کرده است که در برخی موارد به بستری شدن در بیمارستان و مراقبت‌های روان‌پزشکی منجر شده‌اند.

اما برخی درمانگران دارای مجوز که این فناوری را آزمایش کرده‌اند، معتقدند در موارد محدود می‌تواند ابزار عاطفی مفیدی باشد و حتی گاهی خودشان نیز برای مسائل روانی

حذف فقرا از شبکه‌های خانگی

با رشد اینترنت پرسرعت و نفوذ گوشی‌های هوشمند وی‌اودی‌ها به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تفریح خانوارها تبدیل شده‌اند. بررسی هزینه اشتراک نسبت به درآمد کاربران، حجم تولید محتوا و مدل‌های درآمدی پلتفرم‌ها نشان می‌دهد درحالی‌که بازار ایران در مسیر توسعه تولید محتوای اختصاصی قرار دارد، فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی و منطقه‌ای مانند ترکیه و نتفلیکس وجود دارد و موفقیت بلندمدت نیازمند سرمایه‌گذاری و سیاست‌های حمایتی هدفمند است.

تناسب خرید اشتراک

در سال‌های اخیر مصرف سرویس‌های ویدئو (VOD) به یکی از شاخص‌های مهم دسترسی دیجیتال و تغییر الگوی تفریح خانوارها تبدیل شده است. در این بین همزمان با رشد اینترنت پرسرعت و افزایش نفوذ گوشی‌های هوشمند پلتفرم‌های داخلی و خارجی تلاش می‌کنند با ارائه محتواهای متنوع و تولید اختصاصی کاربران بیشتری جذب کنند. بررسی نسبت هزینه اشتراک این سرویس‌ها به درآمد ماهانه کاربران به ویژه در میان گروه‌های با حداقل درآمد نشان‌دهنده میزان دسترسی و توان مالی کاربران برای بهره‌گیری از خدمات دیجیتال است و می‌تواند به عنوان معیاری برای تحلیل فشار اقتصادی و ظرفیت تولید محتوای بومی مورد استفاده قرار گیرد.

در این راستا بر اساس داده‌های موجود هزینه اشتراک سرویس‌های ویدئو در ایران با میانگین حدود ۱۹۰ هزار تومان در ماه معادل تقریبی ۱.۶ درصد از حداقل حقوق ۱۲ میلیون تومانی کارگران است. در آمریکا نیز با فرض حداقل دستمزد فدرال ۷۲.۲۵ دلار در ساعت و اشتراک استاندارد نتفلیکس به قیمت ۱۷.۹۹ دلار، این نسبت به حدود ۱.۴ درصد از درآمد ماهانه می‌رسد. از منظر عددی سهم هزینه اشتراک از درآمد در دو کشور نزدیک به نظر می‌رسد، اما تفاوت سطح دستمزد، قدرت خرید و هزینه‌های پایه زندگی باعث می‌شود پرداخت این سهم برای کاربران ایرانی فشار اقتصادی بیشتری ایجاد کند.

درحالی‌که در آمریکا تماشای استریمینگ بخشی از سبد تفریحات دیجیتال خاور است، در ایران اشتراک VOD همچنان کالایی نیمه‌لوکس محسوب می‌شود و بسیاری از کاربران برای کاهش هزینه از اشتراک‌های گروهی یا تخفیف‌های فصلی استفاده می‌کنند. اما حالا سوال اینجاست که تولید محتوای وی‌اودی‌های داخلی در چه وضعیتی نسبت به پلتفرم‌های جهانی مانند نتفلیکس قرار دارد؟ از منظر تولید محتوا نتفلیکس به‌عنوان بزرگ‌ترین سرویس وی‌اودی جهان سالانه میلیاردها دلار برای تولید و خرید محتوا هزینه می‌کند و بیش از ۴ هزار عنوان تولید داخلی در فهرست خود دارد.

تنها در سال ۲۰۲۳ بیش از ۸۰۰ عنوان جدید شامل سریال، مستند و فیلم سینمایی منتشر شد و این پلتفرم در بیش از ۱۹۰ کشور فعالیت می‌کند و بیش از ۲۷۰میلیون مشترک پرداختی دارد. در مقایسه پلتفرم‌های ایرانی با خرید حقوق پخش خارجی و تولید محدود داخلی فعالیت می‌کنند؛ بر اساس گزارش‌ها یکی از پلتفرم های اصلی در سال ۱۴۰۰ تنها حدود ۳۰ سریال جدید تولید کرده و سهم آن از بازار داخلی حدود ۶۵ درصد تخمین زده شده است. این آمار نشان می‌دهد بازار ایران در حال گذار از مرحله پخش‌کننده محتوا به تولیدکننده فعال است، اما فاصله قابل‌توجهی با استانداردهای جهانی دارد.

همچنین در این بین درحالی‌که سرویس‌هایی مانند نتفلیکس با سرمایه‌گذاری‌های چندمیلیارد دلاری سالانه به تولید سریال‌ها و فیلم‌های اختصاصی می‌پردازند پلتفرم‌های داخلی ایرانی عمدتا بر تولید محتوای کم‌هزینه‌تر تمرکز دارند. بخش قابل‌توجهی از تولیدات داخلی شامل رئالیتی‌شو، برنامه‌های سرگرمی کوتاه و محتوای شبکه اجتماعی است که هزینه تولید پایین‌تری دارند و امکان جذب سریع مخاطب را فراهم می‌کنند. این رویکرد به پلتفرم‌ها اجازه می‌دهد ضمن مدیریت محدودیت‌های مالی و زیرساختی همزمان محتوای متنوع ارائه کنند و بازار خود را توسعه دهند، اما فاصله آنها با استانداردهای جهانی در زمینه سریال‌ها و فیلم‌های بلند اختصاصی همچنان مشهود است.

البته علاوه بر تولید و عرضه محتوا و حفظ پایداری کسب و کار از مدل‌های متنوع درآمدی استفاده می‌کنند. مهم‌ترین این روش‌ها شامل دریافت اشتراک ماهانه یا سالانه از کاربران است که بخش عمده درآمد پلتفرم‌های جهانی را تشکیل می‌دهد. برخی سرویس‌ها با همکاری با ارائه‌دهندگان اینترنت و SPها قرارداد می‌بندند تا اشتراک‌های خود را به‌صورت بسته‌های ویژه همراه با اینترنت ارائه کنند این روش علاوه بر جذب کاربران جدید هزینه دسترسی را برای آنها کاهش می‌دهد. در کنار آن برخی پلتفرم‌ها درآمد قابل‌توجهی از فروش ترافیک مصرفی و پهنای باند دارند.



اما واگرهای خصوصی‌سازی گمرک

✎ عرشیا حسن پور – وزیر اقتصاد واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی را به‌عنوان یکی از راهکارهای حل مساله رسوب کالا مطرح کرده است. فعالان اقتصادی معتقدند علت مشکل مذکور، چالش‌های نهادی و ساختاری است و تغییر مدیریت آن نهاد تنها باعث پیچیده‌تر شدن فرآیندها خواهد شد.

«طرحی برای ساماندهی و اصلاح گمرکات کشور تهیه شده که یکی از محورهای اصلی این ساماندهی، واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی است.» این تازه‌ترین اظهارات وزیر اقتصاد درباره رفع مشکل رسوب کالا در گمرکات کشور است؛ فعالان بخش خصوصی بر این باورند که واگذاری بخشی از فرآیند تشریفات گمرکی، اقدامی برای بهبود و تسریع کالا محسوب می‌شود، اما واگذاری کامل برخی از گمرکات کشور در عمل ناممکن است. در سوی دیگر، تاکید می‌شود که خصوصی‌سازی برخی از گمرکات در شرایط پابرجا ماندن چالش‌هایی همچون سیاست‌های ارزی، منجر به رفع مشکلات نخواهد شد.

اعلام سیاست تازه وزارت اقتصاد مبنی بر «واگذاری بخشی از گمرکات به بخش خصوصی» بار دیگر بحث قدیمی خصوصی‌سازی را زنده می‌کند؛ مسیری که اگر بدون بازتعریف نقش دولت و تعیین دقیق حدود اختیارات و تفاوت وظایف سیاستگذار با امور اجرایی پیش رود، نه‌تنها به بهبود کارایی گمرک منجر نخواهد شد، بلکه می‌تواند منشأ واگرایی نهادی، مبهم‌شدن مسوولیت‌ها و تشدید ناکارآمدی شود. واگذاری گمرک‌های کشور به بخش خصوصی گرچه در ظاهر با هدف کاهش تصدی‌گری دولت و افزایش بهره‌وری بیان می‌شود، اما به‌دلیل ابهام در تعریف بخش خصوصی و تجربه‌های ناموفق گذشته، پرسش‌های جدی را پیش‌روی سیاستگذار قرار می‌دهد.

در میان سخنان مدنی‌زاده موضوع واگذاری «ایکس‌ری‌ها» نیز مطرح شد که بیانگر تلاش برای انتقال بخشی از فرآیند کنترل و بازرسی کالا به بیرون از ساختار دولتی است. با این حال، در ادامه توضیحی ارائه نشد که این خصوصی‌سازی در چه سطحی رخ می‌دهد؛ صرفاً واگذاری عملیات

است یا انتقال کامل مدیریت، اختیارها، ساختار و نیروی انسانی؟ گرچه خصوصی‌سازی به‌عنوان یکی از راه‌های برون‌رفت از اقتصاد دولتی و افزایش بهره‌وری بنگاه‌ها و دستیابی به توسعه اقتصادی محسوب می‌شود و فرآیند خصوصی‌سازی نیز از سال ۱۳۷۰ آغاز شده است، اما اقتصاد ایران تجربه متفاوتی از این واگذاری‌ها تجربه کرده است. در واقع خاطره تلخ واگذاری‌های ظاهری نه‌تنها موجب بهبود وضعیت نشده، بلکه همچنان تصدی‌گری‌های دولت به صورت غیرمستقیم ادامه یافته است. نمونه بارز آن خصوصی‌سازی در صنعت خودرو است که گرچه در ظاهر انجام شد، اما مالکیت واقعی همچنان در دایره نهادهای عمومی و شبه‌دولتی باقی ماند و دخالت دولت در تعیین مدیران نه‌تنها کاهش نیافت، بلکه پیچیده‌تر شد.

انتقال بدون اختیار؟

اکنون نگرانی مشابه درباره گمرک نیز وجود دارد. هنگامی که وزیر اقتصاد از خصوصی‌سازی سخن می‌گوید، پرسش اساسی آن است که خصوصی‌سازی برای دولت به معنای واگذاری کدام مسوولیت‌ها است؟ اگر قرار باشد گمرک از نظر حقوقی همچنان زیرمجموعه دولت باقی بماند، قوانین و تکالیف تغییری نکنند و تنها مدیریت آن به افرادی خارج از بدنه دولت سپرده شود، آنگاه معیار تشخیص مسوولیت، پاسخ‌گویی و ضمانت اجرا مبهم باقی می‌ماند. در چنین فضایی، واگذاری بیشتر به انتقال مسوولیت بدون انتقال اختیار شباهت دارد.

در سوی دیگر، ممکن است رویکرد فعلی دولت نوعی سلب مسوولیت تلقی شود، چراکه سکندار وزارت اقتصاد در سخنان خود تاکید می‌کند که چالش‌های گمرک ناشی از سیاست‌های ارزی و تجاری است و از

سویی همان سیاستگذار قصد دارد بخش مهمی از مدیریت گمرک را واگذار کند. البته این موضوع نیز پدیده‌ای تازه در اقتصاد کشور نیست. در بسیاری از حوزه‌ها، تصمیم‌گیری میان وزارتخانه‌ها، نهادهای فرابخشی و بخش خصوصی تقسیم شده است.

در این میان باید اشاره کرد که گمرک مجموعه‌ای پیچیده از قوانین بین‌المللی، تعهدهای تجاری، استانداردها و فرآیندهای تخصصی است. در نتیجه خصوصی‌سازی در گمرک به‌معنای تدوین «دستورالعمل جدید» نیست، بلکه به‌معنای اجرای بهتر دستورالعمل‌های موجود است. البته اگر همان دستورالعمل واحد در ساختاری دوگانه توسط مدیرانی با منافع متفاوت اجرا شود، پیامد آن چیزی جز تعارض رویه‌ها و منافع، چندگانگی در سیاستگذاری و اجرای قانون و افزایش بی‌اعتمادی فعالان اقتصادی نخواهد بود.

نکته قابل‌توجه در بحث واگذاری برخی از گمرک‌ها به بخش خصوصی آن است که اصل «برون‌سپاری فرآیندهای اجرا» می‌تواند قابل دفاع باشد؛ به‌ویژه در بخش‌هایی مانند انبارداری، حمل‌ونقل داخلی، بهره‌برداری از تجهیزات (مانند ایکس‌ری)، یا خدمات دیجیتال، مشروط بر آن که همین فرآیند، کوتاه‌مدت و موقت نباشد تا سرمایه‌گذاران بخش خصوصی تمایل به سرمایه‌گذاری در گمرکات داشته باشند.

ابهامات خصوصی‌سازی

فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد. آنها عنوان می‌کنند که واگذاری ساختار اصلی و تشریفات گمرکی در عمل ممکن نیست؛ زیرا گمرک از منابع مهم درآمدی دولت است و در هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی سپرده نمی‌شود. به گفته آن‌ها، احتمالاً منظور وزارت اقتصاد صرفاً بخش‌های اجرایی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا و بهره‌برداری از اسکله‌ها است؛ اموری که پیش‌تر نیز در مواردی به بخش خصوصی واگذار شده و می‌تواند با نظارت گمرک انجام شود. با این حال، تصمیم‌گیری و امور اصلی گمرکی قابل واگذاری نیست.

بر این اساس، احمدرضا فرش‌چیان، رئیس کمیسیون مدیریت واردات اتاق بازرگانی ایران، در گفت‌وگو با «دنیایاقتصاد» گفت: اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری برخی از گمرکات به بخش خصوصی ابهامات زیادی دارد و مدنی‌زاده به صورت دقیق مشخص نکرده است که کدام بخش از گمرکات کشور قابلیت واگذاری دارند. حال ممکن است برنامه وزارت اقتصاد واگذاری انبارها باشد یا بخش اظهار و تشریفات گمرکی.

او در ادامه توضیح داد: به نظر می‌رسد این واگذاری در عمل چندان قابلیت اجرا ندارد و بعید است دولت به چنین واگذاری رضایت دهد. احتمال دارد منظور وزیر امور اقتصادی و دارایی از «واگذاری گمرکات» بیشتر ناظر بر بخش‌های اجرایی و عملیاتی مانند تخلیه، بارگیری، انبارداری، جابه‌جایی کالا یا بهره‌برداری از اسکله‌ها و تخصیص محموله باشد، اما اصل ساختار گمرک، از هیچ‌کجای دنیا به بخش خصوصی واگذار نمی‌شود و چنین طرحی نیز تاکنون در کشور مطرح نشده است. فرش‌چیان افزود: البته باید به این نکته اشاره کرد که واگذاری تشریفات گمرکی نیز غیرقابل‌اجرا به نظر می‌رسد، زیرا گمرک از مهم‌ترین منابع درآمدی دولت است و چگونگی می‌تواند کنترل آن را به بخش خصوصی سپرد؟ در نتیجه به‌احتمال زیاد منظور مدنی‌زاده صرفاً عملیات فیزیکی و اجرایی گمرکات بوده است؛ مسائلی مانند تخلیه و بارگیری، جابه‌جایی کالا، انتقال محموله به کشتی و تخلیه از آن. این موارد، در جمله اموری است که در بسیاری از کشورهای جهان به‌طور معمول به بخش خصوصی سپرده می‌شود و امری طبیعی به شمار می‌رود، اما اصل گمرک به‌هیچ‌وجه قابل واگذاری نیست.

او در پایان با اشاره به نمونه مشابه این نوع واگذاری‌ها گفت: طی سال‌های گذشته برون‌سپاری اجرای بخشی از یک فرآیند به بخش خصوصی مشاهده شده است، با اکنون بسیاری از فعالیت‌های بندری توسط بخش خصوصی انجام می‌شود. این مساله موضوع تازه‌ای نیست و عملیات اجرایی اگر به‌درستی سپرده شود، می‌تواند مفید باشد، چراکه شرکت‌های خصوصی تجربه و توانایی لازم را دارند و می‌توانند امکاناتی ایجاد کنند یا حتی به گمرک اجاره دهند یا خود آنها امور را انجام دهند و گمرک تنها نقش نظارتی داشته باشد. در نهایت نیز باید تاکید کرد که اصل «کار گمرکی» به‌معنای تصمیم‌گیری و تشریفات، امکان واگذاری ندارد.

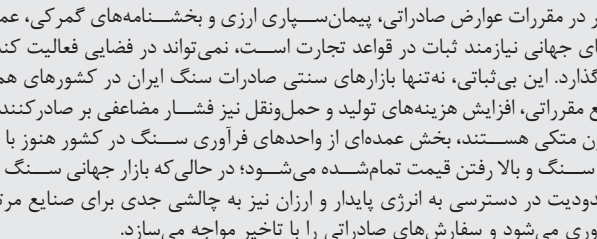
در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که به‌نظر می‌رسد اصل واگذاری بخش‌هایی از گمرک به بخش خصوصی، در ذات خود نه اقدامی نادرست است و نه لزوماً ناکارآمد، اما تجربه نشان می‌دهد که چالش‌های گمرک در ایران بیش از آنکه ناشی از متولی اجرا باشد، ریشه در نارسایی‌های نهادی، تعدد مراکز تصمیم‌گیری، ضعف هماهنگی سیاست‌های ارزی و تجاری و اجرای ناقص مقررات دارد. بنابراین اگر قرار باشد بدون اصلاح بنسرت‌های حکمرانی، نوسازی زیرساخت‌های نظارتی، تعیین دقیق حدود مسوولیت و بازتعریف جایگاه سیاستگذار و مجری، صرفاً تصدی بخشی از امور اجرایی جابه‌جا شود، حاصل چیزی جز بازتولید همان مشکلات پیشین در قالبی تازه نخواهد بود. واگذاری می‌تواند مکمل تغییرات باشد، اما جایگزین آن نیست، به‌ویژه در نهادهی که مساله اصلی آن ترخیص است و نه نتولی.



فعالان بخش تجاری کشور درباره اظهارات وزیر اقتصاد مبنی بر واگذاری گمرکات به بخش خصوصی می‌گویند که این موضوع مبهم است و مشخص نشده کدام بخش قابلیت واگذاری دارد.

تغییرات مکرر در مقررات عوارض صادراتی، پیمان‌سپاری ارزی و بخشنامه‌های گمرکی، عملاً امکان برنامه‌ریزی بلندمدت را از فعالان اقتصادی سلب کرده است. صادرکننده‌ای که برای حضور در بازارهای جهانی نیازمند ثبات در قواعد تجارت است، نمی‌تواند در فضایی فعالیت کند که سیاست‌ها به‌صورت ناگهانی تغییر می‌کنند و هر تصمیم جدید، هزینه تازه‌ای بر دوش تولیدکننده می‌گذارد. این بی‌ثباتی، نه‌تنها بازارهای سنتی صادرات سنگ ایران در کشورهای همسایه را تهدید کرده، بلکه مانع از ورود به بازارهای جدید نیز شده است.

افزون بر موانع مقرراتی، افزایش هزینه‌های تولید و حمل‌ونقل نیز فشار مضاعفی بر صادرکنندگان وارد کرده است. در شرایطی که رقبای اصلی ایران به پارانه‌های انرژی و دسترسی به ماشین‌آلات مدرن متکی هستند، بخش عمده‌ای از واحدهای فرآوری سنگ در کشور هنوز با ماشین‌آلات فرسوده دهه‌های گذشته فعالیت می‌کنند. این وضعیت موجب کاهش بهره‌وری، افزایش ضایعات سنگ و بالا رفتن قیمت تمام‌شده می‌شود؛ در حالی‌که بازار جهانی سنگ تزئینی روزبه‌روز رقابتی‌تر می‌شود و مشتریان به‌دنبال کیفیت بالا با قیمت پایین‌تر هستند. از سوی دیگر، محدودیت در دسترسی به انرژی پایدار و ارزان نیز به چاشنی جدی برای صنایع مرتبط با سنگ بدل شده است. قطعی برق و گاز در فصل‌های اوج مصرف، سبب توقف تولید در کارخانه‌های فرآوری می‌شود و سفارش‌های صادراتی را با تأخیر مواجه می‌سازد.



سنگ ایران در حصار سیاست‌های مغل تولید و تجارت

پاشنه آشیل ارز ترجیحی



گرفت پرداخت ارز ترجیحی ۴۲۰۰تومانی را متوقف کند. با حذف ارز ۴۲۰۰تومانی، نرخ ارز در نیمه دوم همان سال با روندی صعودی مواجه شد. در نتیجه، دولت برای جلوگیری از افزایش دوباره قیمت کالاهای اساسی، ارز ترجیحی جدیدی با نرخ ۲۸هزار و ۵۰۰تومان تعیین کرد. هدف از این اقدام، حفظ ثبات قیمتی نسبی در بازار کالاهای ضروری و کاهش فشار تورمی بر اقشار آسیب‌پذیر بود.

با گذشت چند سال از اجرای این سیاست، اکنون شکاف قابل‌توجهی میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد مشاهده می‌شود. آخرین بررسی‌ها نشان می‌دهد که نرخ ارز در بازار آزاد به حدود ۱۰۷ هزار و ۹۰۰ تومان رسیده است؛ به این ترتیب، اختلافی نزدیک به ۸۰ هزار تومان میان نرخ ارز ترجیحی و قیمت ارز در بازار آزاد وجود دارد. با افزایش تفاوت قیمت ارز، پیامدهایی که در سال پایانی پرداخت ارز ۴۲۰۰ تومانی تجربه شد، مجدداً در حال تکرار است و به نظر می‌رسد بار مالی یارانه ارزی بر بودجه دولت بیشتر شده است. به همین دلیل، کارشناسان اقتصادی معتقدند در شرایط فعلی، تعیین نرخ ثابت به عنوان ارز ترجیحی، نمی‌تواند یک سیاست کارآمد باشد. زیرا افزایش شکاف میان قیمت ارز در بازار آزاد و نرخ ثابت ارز ترجیحی، مانند یک پاشنه آشیل عمل خواهد کرد و موجب تشدید پیامدهای منفی این سیاست می‌شود. به همین دلیل، پیشنهاد می‌شود در صورت

روز گذشته سختگوی دولت از تداوم تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی خبر داد و اعلام کرد در صورتی که قرار باشد اصلاحاتی در این خصوص انجام شود، حتماً سیاست‌های جایگزین برای حمایت از معیشت مردم انجام خواهند شد.

با این حال به نظر می‌رسد که تعداد کالاهای مشمول ارز ترجیحی در حال کاهش است. پیش از این اعلام شده بود که هدف‌گذاری دولت این است که کالاهای مشمول کالابرگ را با ارز ۲۸هزار و ۵۰۰تومانی به‌دست مردم برساند. همچنین رئیس سازمان برنامه بودجه اعلام کرده بود که در تغییرات جدید طرح کالابرگ، تعداد کالاهای مشمول کاهش خواهد یافت. همین مساله زمینه‌ساز گمانه‌زنی‌هایی در مورد کاهش گستره کالاهای تحت پوشش ارز ترجیحی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد تخصیص ارز ترجیحی به کالاهای اساسی علی‌رغم هزینه بالا، در تحقق اهداف خود و کنترل افزایش قیمت کالاهای اساسی چندان موثر نبوده است. بر همین اساس، کارشناسان توصیه می‌کنند که کاهش تعداد کالاهای مشمول رانت ارزی به‌صورت تدریجی انجام شود تا ضمن کاهش هزینه‌های این طرح، از بروز شوک‌های تورمی ناشی از حذف ناگهانی ارز ترجیحی جلوگیری شود. همزمان، تداوم پرداخت کالابرگ به دهک‌های پایین درآمدی می‌تواند به حفظ چتر حمایتی از اقشار آسیب‌پذیر کمک کند.

خرجه تکراری ارز ترجیحی

سیاست تخصیص ارز ترجیحی نخستین‌بار در بهار سال۱۳۹۷به اجرا درآمد. در آن مقطع، دولت با هدف کاهش آثار نوسانات ارزی بر معیشت خانوارها تصمیم گرفت بخشی از کالاهای اساسی را با نرخ ارزی پایین‌تر از بازار آزاد تأمین کند. هدف اصلی از اجرای این سیاست، کنترل نوسانات بازار، مهار افزایش قیمت کالاهای ضروری، جبران کاهش قدرت خرید مردم و حمایت از اقشار متوسط و کم‌درآمد بود.

با این حال، در عمل افزایش فاصله میان نرخ ارز بازار آزاد و نرخ ترجیحی، موجب شد این سیاست به تدریج هزینه‌های سنگینی برای دولت ایجاد کند. اختلاف فزاینده میان دو نرخ نیز بستر رانت و فساد گسترده در برخی بخش‌های واردکنندگان و واسطه‌ها را فراهم کرد. افزون بر این، سیاست تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی در مهار رشد قیمت کالاهای اساسی و کنترل تورم نیز چندان موفق عمل نکرد. به همین دلیل، دولت در سال ۱۴۰۱ تصمیم

هفته گذشته دانشگاه تهران خطاب به دانشجویانش اعلام کرد که از این پس دسترسی به پلتفرم یوتیوب از طریق اینترنت داخلی دانشگاه بدون نیاز به فیلترشکن امکان‌پذیر است.

این خبر با انتقادهای زیادی مبنی بر اجرای گام جدیدی از اینترنت طبقاتی و ایجاد ناعدالتی در فضای دیجیتال مواجه شد. پس از این، دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرد که هدف از رفع فیلتر یوتیوب دسترسی به منابع آموزشی روز دنیا است. وزارت ارتباطات هم بار دیگر ه گونه مصوبه درباره راهاندازی «اینترنت طبقاتی» یا رفع فیلتر برخی پلتفرم‌ها در دانشگاه‌ها مطرح کرد که تاکنون هیچ تصمیم یا ابلاغیه‌ای در این زمینه صادر نشده است. با این حال اعتراض‌ها نسبت به این تصمیم همچنان ادامه دارد. روز گذشته، دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند.

در حالی‌که وزارت علوم یوتیوب را برای بیش از ۱۳ دانشگاه کشور فیلتر کرده است، دانشجویان دو دانشگاه تهران و صنعتی شریف با انتقاد از این تصمیم، آن را اقدامی تبعیض‌آمیز و ناقض عدالت ارتباطی دانستند. دانشجویان این دو دانشگاه در بیانیه‌ها و نامه‌های جداگانه‌ای تاکید کرده‌اند که «دسترسی محدود و گزینشی به اینترنت ارائه» نه تنها کمکی به آموزش نمی‌کند، بلکه شکاف طبقاتی و نابرابری دیجیتال را در کشور عمیق‌تر می‌سازد. شورای صنفی دانشگاه علوم اجتماعی دانشگاه تهران در بیانیه‌ای اعلام کرده است که رفع فیلتر یوتیوب تنها برای دانشگاه‌های خاص، «مصداق تشدید نابرابری و تبعیض ساختاری» است.

در بخشی از این بیانیه آمده است: «دسترسی محدود اقساری معین، مانند پرسنل دانشگاه‌ها و دانشجویان برخی دانشگاه‌های خاص، مشخصاً در جهت طبقاتی‌کردن دسترسی به بدیهی‌ترین

^[1] حقوق شهروندی است
این طرح، شکاف طبقاتی موجود در مناسبات اجتماعی را تعمیق می‌بخشد
و اگر برای تمامی اقشار جامعه امکان‌ساز نباشد، مصداق سیاستی نابرابر و سلطه‌آمیز خواهد بود

^[2] شورای صنفی این دانشگاهه تاکید کرده است که جامعه دانشگاهی باید «در برابر هر گونه سیاست

^[3] فردوست‌سازی و سلب امکانات از طبقات محروم بایستند»
خواستار لغو سیاست‌های تبعیض‌آمیز

^[4] در دسترسی به فضای دیجیتال شده است
شورای صنفی دانشگاه صنعتی شریف نیز در نامه‌ای
سرگشته به وزیر علوم، اعلام این وزارتخانه را نشانی از نگاه دولتی در مسیر عدالت آموزشی و ارتباطی

^[5] برابر دانسته است
در این نامه خطاب به وزیر علوم آمده است: «اگر هدف واقعا تسهیل آموزش است، چرا تمام جامعه از این تسهیل بهره‌مند نمی‌شود؟ آیا وزارتخانه‌ای که داعیه عدالت آموزشی دارد، نباید برای دسترسی آزاد دانشجویان به منابع علمی تلاش کند، نه برای محدودسازی آن؟»

روزنامهٔ ورزش اقتصاد

چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴
شماره ۸۸۴
www.marzeghtesad.ir

♥ مهدی روی دور خوشبختی
در آتن، جایی که ورزشگاه «کارایسکاکیس» هر هفته با شور قرمز هواداران می‌ارزد، حالا نامی تازه روی لب‌هاست؛ مهدی طارمی. شنبه‌شب در دیداری که المپیاکوس برای حفظ جایگاهش در صدر جدول به چپیزی جز برد نمی‌اندیشید، ستاره ایرانی تیم با درخشش خود آتش حمله‌های سرخ‌پوشان را شعلهور کرد. دقیقه ۶۰، طارمی از میان مدافعان آریس عبور کرد و با ضربهای دقیق دروازه حریف را گشود؛ گلی که نه‌تنها سه امتیاز حیاتی برای تیم مندیلیپار به همراه داشت، بلکه موجب شد دوران تازه‌ای در خط حمله المپیاکوس برای مهدی آغاز شود.

اما درخشش مقابل آریس، تنها یک گل ساده نبود. آمار طارمی نشان می‌دهد که او به مرز آمادگی کامل رسیده است: ۸۹ درصد پاس سالم (۱۷ از ۱۹)، ۸۳ درصد دقت پاس در زمین حریف، یک شوت در چهارچوب، دو دوتل زمینی و یک پیروزی در نبرد هوایی، طارمی با نمره ۷.۲ در جمع بهترین بازیکنان میدان قرار گرفت و پس از پوندسه، کاشتینیا و نژولاکیس چهارمین بازیکن برتر دیدار بود.

این دومین هفته متوالی است که طارمی در ترکیب اصلی المپیاکوس قرار می‌گیرد و دومین هفته‌ای که نام او در فهرست گلزنان می‌درخشد. در واقع، از زمانی که خوزه لوئیس مندیلیپار تصمیم گرفت نقشی متفاوت به مهاجم ایرانی بدهد، مسیر فنی تیم یونانی دستخوش تغییر مثبت شده است. مندیلیپار سرمربی باتجربه اسپانیایی، با ابتدا طارمی را به عنوان بازیکنی مکمل برای ایوب الکعبی جذب کرده بود؛ مهاجمی مراکشی که در سال‌های اخیر به یکی از محبوب‌ترین چهره‌های المپیاکوس تبدیل شده است. الکعبی با سابقه‌ای پرپراب در گلزنی، چنان جایگاهی بین هواداران دارد که نیمکت‌نشینی‌اش تقریباً غیرقابل تصور است. از همین رو، مأموریت اولیه طارمی هشوار به نظر می‌رسید: درخشش در تیمی که یک ستاره بانبات در نوک حمله دارد.

اما مندیلیپار خیلی زود متوجه شد که راهکارش برای بهربرداری از توانایی‌های طارمی، تغییر در نقش اوست نه تغییر در سیستم تیم. او بدون دست‌زدن به ساختار همیشگی ۱-۳-۴ المپیاکوس، طارمی را از نوک حمله به پشت هافبک نفوذی منتقل کرد؛ جایی درست پشت سر ایوب الکعبی. این تغییر، نتیجه‌ای فوق‌العاده داشت. در دیدار سنتی برابر ا.ک.آتِن، طارمی نخستین‌بار در این پست جدید به میدان رفت و بلافاصله درخشید. او با یک گل تماشایی و نمایش هوشمندانه، نمره عالی ۸.۳ را از کارشناسان گرفت و عنوان بهترین بازیکن زمین را از آن خود کرد. همین عملکرد کلفی بود تا مندیلیپار در بازی بعدی مقابل آریس نیز دوباره به ترکیب مشایه اعتماد کند. طارمی باز هم پاسخ اعتماد سرمربی‌اش را با گل و دوندگی مثال‌زدنی داد. نکته جالب اینجاست که در فاصله کوتاهی، طارمی از بازیکنی ذخیره به یکی از عناصر اصلی ترکیب المپیاکوس تبدیل شده است. آماراشن گویای همه چیز است: در شش حضور در سوپرلیگ یونان، که تنها دو بازی آن فیکس بوده، او موفق شده ۴ گل بزند و یک پاس گل بدهد. یعنی به طور میانگین، هر ۳۸ دقیقه یک تأثیر مستقیم روی گل‌های تیمش دارد؛ آماری در سطح مهاجمان تراز اول اروپا.

در سوی دیگر، ایوب الکعبی با ۹ بازی، ۶ گل و یک پاس گل عملکردی ثابت و قابل‌اتکا دارد. اما تفاوت میسان دو مهاجم، نه در تعداد گل‌ها، بلکه در نحوه اثرگذاری بر تیم است. الکعبی همچنان تمام‌کننده اول تیم به شمار می‌رود، اما طارمی در نقش جدید خود تبدیل به مغز متفکر خط حمله شده است؛ بازیکنی که هم فضا می‌سازد، هم پاس می‌دهد و هم در موقعیت‌های کلیدی، با هوش بالا گل می‌زند. این روزها در آتن، صحبت از یک زوج تازه است؛ زوجی ایرانی –مراکشی که درک متقابلی در زمین دارند. الکعبی در نقش تمام‌کننده و طارمی در نقش بازساز هجومی، ترکیبی ساخته‌اند که مدافعان یونانی به سختی می‌توانند متوقفش کنند. هواداران المپیاکوس حالا دیگر طارمی را نه به عنوان «جاشین الکعبی» بلکه به عنوان مکملی ارزشمند و ستاره‌ای تازه در قلب تیمشان می‌شناسند. این روند ادامه پیدا کند، شاید خیلی زود نام مهدی طارمی همان‌قدر که در پورتو بر سر زبان‌ها بود، در آتن هم با شور و افتخار فریاد زده شود.

♥ ستارگان کلبا روی نوار ناکامی
برای نخستین‌بار در تاریخ فوتبال، یک باشگاه خارج از ایران پنج بازیکن ایرانی را هم‌زمان در ترکیب مینو دارد، اما نتیجه آن، چیزی جز ناکامی و سرخوردگی نبوده است. الاتحاد کلبا که در ابتدای فصل با هزینه‌ای سنگین سراغ ستاره‌های لیگ برتر ایران رفت و جمعی از ملی‌پوشان را به امارات آورد، حالا پس از گذشت ده هفته از لیگ ادنوک، در میانه‌های جدول سرگردان است و نشانی از تیمی مدعی ندارد. روز شنبه در ورزشگاه شیخ حمدان بن‌زاید، تیم الظفره با نمایش برتر، مزیزان خود الاتحاد کلبا را با نتیجه ۳ بر صفر شکست داد؛ شکستی سنگین و ناامیدکننده برای تیمی که با حضور بازیکنانی چون احمد نوراللهی، سامان قدوس و شش‌بار متوالی امید نورالدی به تغییر سرنوشتش داشت. در این مسابقه که با حضور بیش از ۱۴۰۰ تماشاگر برگزار شد، قدوس مثل همیشه در ترکیب اصلی حضور داشت اما در دقیقه ۷۰ تعویض شد؛

می‌گرفته. بسیاری عقیده داشتند(دارند) که دوران او در پرسپولیس گذشته و این هافبک ۳۵ ساله صرفا به دلیل کمبود بازیکن است که در ترکیب قرار می‌گیرد.

با این حال اما رفیعی در بازی با استقلال خوزستان یکی از بهترین نمایش‌های کل دوران حضورش در پرسپولیس را ارائه داد. او گل اول بازی را با یک ضربه زیبا و فرصت‌طلبانه به ثمر رساند،روی گل دوم پنانتی گرفت و در تمام طول مسابقه هم با حضور پشت محوطه جریمه، به خوبی از عناصر تهاجمی تیم حمایت کرد. آیا این نمایش سروش هم تحت‌تاثیر تدابیر تاکتیکی اوسمار بود؟ بعدتر معلوم می‌شود.

آزادی یک ستاره

تیوی بی‌قوما که در دوره هاشمیان به یک بازیکن غیرمفید و پرحاشیه تبدیل شده بود و حتی بعضی‌ها به این که خرید خوبی بوده هم شک کرده بودند، آغازی توفانی زیر نظر اوسمار داشت و یک نمایش بسیار جذاب و اثرگذار ارائه داد. بازی درخشان او را همه دیدند و حالا این چند خط را هم از خلال مصاحبه خودش بخوانید: «ایده‌ها و فلسفه کاری اوسمار از همان روز اول روشن است.

از کار زیرنظر او لذت می‌برم و امیدوارم گلزنی‌هایم هم شروع شود. در مورد کار با وحید هاشمیان هم باید بگویم که اصلا دوران خوبی برای من نبود. برای مثال، من و اورونوف هرگز بیش از ۲۰ دقیقه در کنار هم بازی نکردیم.»

تیم که خوب باشد...

یک تنوری در فوتبال وجود دارد با این مضمون که اگر حال کلی تیم خوب باشد، حتی بازیکنان معمولی هم رشد می‌کنند و بالا می‌آیند، اما اگر اوضاع تیم روبره نباشد، ستاره‌ها هم کم‌کم دچار افول می‌شوند و نمی‌توانند اثرگذاری لازم را داشته باشند.

بخش دوم این واقعیت، در پرسپولیس وحید هاشمیان به وضوح نمایان شد؛ جایی که حتی امثال بی‌قوما و اورونوف هم نای درخشیدن نداشتند. حالا شاید وقت آن است که نیمه اول این فکت را تماشا کنیم؛ جایی که میلاد سسرلک هم از وقتی به جای باکیج مصدوم به زمین آمد، در فرم مطلوب و کلی پرسپولیس قرار گرفت و نمایش خوبی ارائه داد. آیا واقعا قرار است این بازیکنان زیر نظر اوسمار ویرا احیا شوند؟

باکیج چشم خوردا

اگر خرافاتی باشیم، اینجا باید بگویم مار کو باکیج چشم خورده! هافبک مونتئنگرویی پرسپولیس که در آخرین دقیقه بازی با تراکتور روی ضربه ایستگاهی یک گل بسیار تماشایی به ثمر رساند، در طول روزهای گذشته به شدت مورد توجه قرار گرفت و تازه قرار بود از این به بعد بقیه ضربات کاشسته تیم را هم خودش بزند، اما در نیمه اول بازی با استقلال خوزستان احساس درد کرد و به شکل ناخوشایندی از زمین خارج شد.

گفته می‌شود مصدومیت باکیج نسبتاً شدید است و او چیزی حدود یک ماه از میادین دور خواهد بود؛ گزارشی که اگر درست باشد ممکن است به غیبت این بازیکن در دربی روز ۱۴ آذرماه تهران بینجامد.

گل غافلگیرکننده

برابر استقلال خوزستان، پای محمد امین کاظمیان هم به گلزنی باز شد؛ بازیکنی که فصل گذشته آمار خوبی در آلومینیوم اراک به جا گذاشت و به اتکای همان هم پرسپولیسی شد، اما در طول هفته‌های گذشته نتوانست چیز خاصی نشان بدهد.

کاظمیان در تیم وحید هاشمیان کاملا گم بود و حتی در تک بازی دوران کریم باقری برابر تراکتور هم در حالی حدود ۸۰ دقیقه در زمین حضور داشت که گزارشگرک بازی کلا دو بار اسم او را به زبان آورد! با این حال او در دقایق پایانی بازی با استقلال خوزستان به زمین آمد، روی پاس عالی علویور یک گل خوب زد و بالاخره فرصت کرد شادی محبوش را با پیرپان پرسپولیس هم انجام بدهد.

همان اورونوف آماده؟

بی‌گمان باید گفت بهترین دوران اوستون اورونوف در پرسپولیس، همان نیم‌فصل اول حضورش در این تیم بود. او زیر نظر اوسمار ویرا، ستاره‌ای ویرانگر نشان داد و یکی از مهم‌ترین عوامل قهرمانی تیم در لیگ بیست‌وسوم لقب گرفت. بعدتر چه به دلیل مصدومیت‌های پیاپی و چه به واسطه مسائل تاکتیکی، کمتر چنین نسخاهی از وینگر ازبکستانی دیده شد.حالا اما این امیدواری وجود دارد که با بازگشت اوسمار، اورونوف دوباره جان بگیرد. این اتفاق کم و بیش در بازی با استقلال خوزستان رخ داد و اوستون بارها با حرکات تکنیکی‌اش ساختار دفاعی حریف را به هم ریخت، هرچند فرصت‌سوزی‌های عجیب این بازیکن، بارها مانع از گلزنی او شد. اگر اورونوف کمی دقت کرده بود، در این بازی هت‌تریک می‌کرد.

آنتونیو آدان، دروازه‌بان اسپانیایی استقلال، در دیدار مقابل الوحدات اردن یکی از بهترین بازیکنان زمین بود و نقش پررنگی در حفظ دروازه تیمش ایفا کرد. در شرایطی که حریف اردنی در نیمه دوم فشار زیادی وارد کرده بود و چند موقعیت خطرناک روی دروازه استقلال خلق شد، آدان با واکنش‌های سریع و تصمیم‌گیری‌های دقیق خود مانع از باز شدن دروازه تیم شد. او در چند صحنه با خروج‌های به‌موقع و مهارهای تماشایی، نشان داد که تجربه بالای حضور در فوتبال اروپا همچنان در عملکردش تأثیرگذار است. اگر در آن دقایق حساس آمادگی و تمرکز بالای آدان نبود، احتمال داشت استقلال در لحظات پایانی گل دوم را هم دریافت و حتی بازی را واگذار کند. با این حال، دروازه‌بان اسپانیایی استقلال با اعتمادبه‌نفس بالا درون دروازه ایستاد و سد محکمی در برابر حملات الوحدات ایجاد کرد. این عملکرد باعث شد تا خیال ریکاردو ساپینتو تا حد زیادی از بابت وضعیت دروازه‌بان تیمش راحت شود؛ به ویژه پس از دوراهی که آدان به دلیل مصدومیت و ناهماهنگی با تیم دور از ترکیب اصلی مانده بود. آدان اکنون در مسیر بازگشت به روزهای اوج خود قرار دارد و اگر بتواند این روند را حفظ کند، بدون تردید در دربی پایتخت نیز گزینه اصلی ساپینتو برای حفاظت از دروازه استقلال خواهد بود.

صلاح و مرموش، چشم انتظار ایران



وحید هاشمیان و امیر کاظمیان

و تنها ۲ بار دروازه‌اش باز شده، یکی از تیمهای حاضر در تورنمنت چهارجانبه العین خواهد بود. ایران ابتدا باید روز پنجشنبه مقابل کیپورد دیگر تیم آفریقایی حاضر در جام جهانی به پیروزی برسد و در صورت برد، در فینال با برنده تقابل روز جمعه مصر و ازبکستان دیدار می‌کند. بدون هیچ شک و تردیدی و با توجه به بازی‌های تکراری ما با ازبکستان، همه منتظر تقابل ایران با تیم ملی مصر در این رقابت‌ها هستیم تا سرنوشت جام در دیدار تدارکاتی باکیفیت برای تیم ملی کشورمان فراهم شود. ایران و مصر تاکنون تنها یک بار و در دیدار نیمه‌نهایی جام آسیا در سال ۲۰۰۰ به مصاف هم رفته‌اند که این بازی پس از تساوی یک بر یک در اوقات قانونی با گلزنی حسام حسن، در ضربات پنالتی به سود مصر خاتمه یافت.

نکته مثبت اینکه تیم ملی مصر برای این رقابت‌ها، با حضور تمام ستارگان خود با به العین می‌گذارد و فراغه خود را با تمام قوا برای جام ملت‌های آفریقا و جام جهانی ۲۰۲۶ آماده خواهند کرد. اسطوره فوتبال مصر و فوق‌ستاره لیورپول که فصل گذشته کفش طلا و عنوان بهترین پاسور لیگ برتر انگلیس را کسب کرد یعنی محمد صلاح، در فهرست تیم ملی مصر برای این مسابقات حضور دارد. در کنار او، نام عمر مرموش ستاره منچستر سیتی که فصل گذشته با عملکرد درخشان در آینتراخت فرانکفورت به جمع شاگردان گواردیولا اضافه شد نیز دیده می‌شود. رمی ربیا مدافع تیم العین امارات، ریزو ستاره محبوب تیم الاهلی مصر و مصطفی محمد مهاجم تیم نانت فرانسه دیگر بازیکنان مطرح حاضر در فهرست پرافتخارترین تیم جام ملت‌های آفریقا برای شرکت در تورنمنت العین با حضور تیم ملی فوتبال کشورمان هستند.استفاده از این بازیکنان، بی‌تردید به اعتبار رقابت‌های چهارجانبه العین اضافه می‌کند. راشد عبدالله مدیرعامل باشگاه العین گفت، برگزاری این مسابقات بخشی از تقویم رویدادهایی است که در منطقه العین انجام می‌شود. تیم‌هایی که جزو بهترین‌ها در جهان هستند، برای تمرین، مسابقات و تمام جنبه‌های مربوط به موفقیت این نوع مسابقات بین‌المللی از زیرساخت‌ها و امکاناتی که در این منطقه ارائه می‌شود، استفاده می‌کنند.

قهرمانی لیگ بر تر ، هدف نهایی ساپینتو

جایی که ثبات، عملکرد مداوم و پیروزی‌های پی در پی در دیدارهای کلیدی تعیین‌کننده قهرمان خواهد بود.جالب است بدانیم که سرمربی استقلال در نشست‌های خود با بازیکنان تأکید کرده که برتری در بازی‌های مستقیم با مدعیان قهرمانی کلید اصلی فتح لیگ است. استقلال فصل را با پیروزی مهم برابر تراکتور تبریز آغاز کرده تیمی که با جذب بازیکنان پرستاره و هزینه‌های سنگین یکی از مدعیان اصلی قهرمانی محسوب می‌شود. این برد روحیه‌ای مضاعف به تیم داد و نشان داد که استقلال در مواجهه با تیمهای بزرگ، از آمادگی ذهنی و فنی بالایی برخوردار است و در واقع روی همان اصل که سرمربی‌اش تدوین کرده حرکت می‌کند. در ادامه، استقلال باید در یکی از حساس‌ترین دیدارهای نیم‌فصل نخست خود، در هفته دوازدهم لیگ برتر به مصاف پرسپولیس برود. این دربی می‌تواند به نقطه عطفی در مسیر قهرمانی استقلال تبدیل شود. ساپینتو به خوبی می‌داند که برد در دربی نه تنها سه امتیاز حیاتی دارد بلکه از نظر روانی نیز تیمش را چند پله بالاتر می‌برد و تعادل رقابت قهرمانی را به نفع استقلال تغییر می‌دهد. او به بازیکنانش گوشزد کرده که برتری در دربی به نوعی کلید قهرمانی در فصل جاری نیز خواهد بود. از سوی دیگر، دیدار با سپاهان اصفهان که قرار بود در هفته دوم برگزار شود، به دلیل بارگیری

ناگهان پرسپولیس!



✎ عرفان حمیدی – از این رو به آن رو؛ این شاید بهترین و کو تاه ترین توصیف برای نمایش پرسپولیس در هفته دهم لیگ بر تر باشد.

این مربی برخاستند.

او دوره دوم را هم تهاجمی شروع کرد و حتی خودش گفت بین دو نیمه وقتی تیمش با یک گل از استقلال خوزستان پیش بوده، به بازیکنانش گفته گل‌های بیشتری می‌خواهد. فعلا که همه چیز خوب است، تا ببینیم بعدا چه پیش می‌آید.

یاد صابر

بازیکنان پرسپولیس پیش از آغاز دیدار با استقلال خوزستان، تی‌شرت‌هایی به تن داشتند که روی آن تصویر صابر کاظمی حک شده بود؛ ستاره جوان والیبال ایران که طی روزهای گذشته به شکلی باورنکردنی پر کشید و از میان ما رفت. در این تصویر هم حسین کنعانی‌زادگان را می‌بینید؛ مدافع میانی سرخ‌پوشان که طی یکی، دو فصل اخیر در فرم خوبی نبوده است. یکی از دهنه‌ماموریت اوسمار در پرسپولیس، بازگرداندن کنعانی و نیز مرتضی پورعلی‌گنجی به روزهای خوب است. کنعانی در این بازی گل دوم پرسپولیس را از روی نقطه پنانتی به ثمر رساند. این بار هم مثل کاشته باکیج برابر تراکتور، علویور می‌خواست توپ را بگیرد و خودش بزند، اما کنعانی مخالفت کرد!

بهترین بازی سروش؟

سروش رفیعی یکی از بازیکنانی بوده که این اواخر زی‌ساد مورد انتقاد قرار

از ایسن رو به آن رو؛ این شاید بهترین و کوتاه‌ترین توصیف برای نمایش پرسپولیس در هفته دهم لیگ برتر باشد. در بازگشت اوسمار ویرا روی نیمکت سرخ‌پوشان، این تیم در حالی با ۳ گل استقلال خوزستان را شکست داد که غیر از آن فرصت‌های پرشمار دیگری هم به دست آورد و پس از مدت‌ها، لذت فوتبال را به کام هواداران چشاند.

این همان چیزی بود که پرسپولیسی‌ها دنبالش بودند؛ کیف کردن از تماشای تیم‌شان، چیزی که آن را با وحید هاشمیان از یاد برده بودند. اگرچه استقلال خوزستان رقیب فوق‌العاده‌ای نبود و با مشکلات فراوان مقابل قرمزها قرار گرفت، اما به هر حال مدل بازی پرسپولیس و به ویژه جادطلبی بازیکنان این تیم در بیشتر خواستن و بیشتر حمله کردن، به وضوح نشان از تغییر فلسفه سرخ‌پوشان داشت. برویم و احوالات برخی چهره‌های ویژه این بازی را با هم مرور کنیم.

بازگشت جذاب اوسمار

بدون شک چهره نخست این مسابقه اوسمار ویرا بود و در گام اول نشان داد چرا خیلی از هواداران پرسپولیس مشتاق بودند او را دوباره روی نیمکت تیم محبوب‌شان ببینند. علاقه شدید مربی برزیلی به ارائه فوتبال هجومی، در همان دوره قبلی حضور او در اردوگاه سرخ‌ها هم مشهود بود؛ طوری که پس از شکست خارج از خانه برابر آلومینیوم اراک در نخستین بازی هم خیلی‌ها به حمایت از



تاجیکستان جلوی صعود ایران را نگرفت

مرحله نیمه‌نهایی تنها به پیروزی نیاز

داشت. شاگردان وحید شمسایی در حالی مقابل تاجیکستان صف‌آرایی کردند که هر نتیجه‌ای جز برد می‌توانست رؤیای صعود را برای تیم ملی نقش بر آب کند. در سوی دیگر، پیروزی چهار بر صفر مراکش مقابل افغانستان باعث شد تیم افغانستان از دور رقابت‌ها کنار برود و ایران برای قطعی کردن صعود خود، چاره‌ای جز کسب سه امتیاز نداشته باشد.

ملی‌پوشان فویتال ایران از همان دقایق ابتدایی دیدار در سان «گرین هال» ریاض، شایید هجومی و برتری خود را به حریف

دیکنه کردند. تیم شمسایی که نمی‌خواست ریسک کند، با برنامه‌ای تهاجمی و پرس شدید از جلو وارد زمین شد و در نیمه نخست موفق شد چهار بار دروازه تاجیکستان را باز کند. محمدحسین درخشانی، حسین طیبی، مهدی کریمی و حسین سبزی، گلزنان ایران در این نیمه بودند تا خیال کادرفنی از بابت صعود تا حد زیادی راحت شود.

در ادامه نیمه نخست، حسین طیبی بار دیگر موفق به گلزنی شد اما داور مسابقه به دلیل خطای هند، این گل را مردود اعلام کرد و به کاپیتان تیم ملی کارت زرد نشان داد. در واپسین دقایق نیمه اول، ادریس پوروف روی یک ضدحمله، تنها گل تاجیکستان را به ثمر رساند تا نیمه نخست با برتری ۴ بر ۱ ایران به پایان برسد.

در نیمه دوم، ایران ضمن حفظ برتری، کنترل کامل توپ و میدان را در اختیار داشت. شمسایی در این نیمه فرصت داد تا بازیکنان جوان‌تر نیز در میدان حاضر و با تجربه بازی‌های بین‌المللی آشنا شوند. سعید احمدعباسی در دو نوبت تا آستانه گلزنی پیش رفت، اما در هر دو موقعیت، دروازه‌بان تاجیکستان با واکنش‌های تماشایی مانع از افزایش اختلاف شد.

در پایان، ایران با این پیروزی ارزشمند ۴ بر ۱، پنج امتیازی شد و پس از مراکش هفت‌امتیازی به عنوان تیم دوم گروه خود راهی مرحله نیمه‌نهایی شد. به این ترتیب، تیم‌های افغانستان و تاجیکستان از دور رقابت‌ها کنار رفتند. بر اساس جدول مسابقات، تیم ملی کشورمان در مرحله نیمه‌نهایی باید به مصاف ازبکستان برود، حریفی قدرتمند و آشنا که در جام ملت‌های آسیا نیز تیم شمسایی را به دردمسر انداخته بود. دیداری که می‌تواند یکی از حساس‌ترین بازی‌های این تورنمنت باشد و محک جدی دیگری برای فویتال ایران در مسیر بازسازی نسل جدید محسوب شود.

نشایان ذکر است احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان، میهمان ویژه این دیدار بود و از نزدیک شاهد برتری ملی‌پوشان کشورمان

برابر تاجیکستان بود.

تاجیکستان جلوی صعود ایران را نگرفت

ریکاردو ساپینتو، سرمربی پرتغالی استقلال، با گذشت ۴ ماه از حضورش در فوتبال ایران، حالا به خوبی با فضای لیگ برتر، رقبا و حساسیت‌های آن آشنا شده است. او که در فصل اول سرمربیگری با استقلال با وجود نمایش‌های جذاب نتوانست جایی برای استقلال به ارمان بیاورد، در فصل جاری با برنامه‌ای متفاوت و هذگفتاری مشخص پا به میدان گذاشته است. او به دنبال قهرمانی در لیگ برتر است. ساپینتو از ابتدای فصل بارها تأکید کرده که هدف اصلی‌اش بازگرداندن جام لیگ برتر به ویت‌ترین استقلال است و حتی در اظهاراتی رسمی وعده داده بود که این تیم در پایان فصل روی سکوی قهرمانی خواهد ایستاد. از همین رو، اگرچه استقلال در جام حذفی نیز حضور دارد و در گام نخست باید به مصاف تیم گمنامی به نام پادپای خلخال برود، اما به نظر می‌رسد اولویت ذهنی و فنی ساپینتو همچنان رقابت‌های لیگ است.

ساپینتو قصد دارد در جام حذفی از ترکیب اصلی خود استفاده کند، اما این تصمیم بیشتر با هدف حفظ روحیه تیمی و جلوگیری از غافلگیری در برابر حریفان ضعیف اتخاذ شده است، نه به عنوان هدفی جدی برای فتح جام. ساپینتو به‌خوبی می‌داند که در فوتبال ایران، جام حذفی می‌تواند با یک لغزش کوچک از دست برود و به همین دلیل، نگاه بلندمدت او به سمت لیگ برتر متمرکز است؛

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر

چهارشنبه ۲۷ اسفند ماه ۱۴۰۴ شماره ۸۴

www.marzeghtesad.ir

روزنامه

www.marzeghtesad.ir

صاحب امتیاز: موسسه مطبوعاتی دانش پیام بامداد نوین

مدیر مسئول: ابوالفضل حمیدی

چاپ: جام جم

آدرس: تهران، بلوار مرزداران، خیابان البرز ، البرزیکم، پلاک ۶

تلفن: ۰۲۱-۴۹۱۰۵۰۰۰

گستره توزیع : سراسری

شرکت توزیع : نشر گستر

چرا بهبود به پایتخت برنگشت؟

نقشی بوده که در فیلم‌نامه نوشته شده و او را به یک دیو ِ باهوش‌ترین، کاربلدترین و بازیگرترین افرادی است که

و انسان خشن تبدیل می‌کرد.

این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی که اخیرا است و دلیل این امر جایگاهی است که از مسیر دغذغه‌ها،

مهران احمدی، بازیگر نقش بهبود در سریال «پایتخت»، در فضای مجازی منتشر شده است درباره «پایتخت» و

درباره غیبتش در این سریال عنوان کرد که مساله اصلی‌اش همکاری با این سریال گفت: «محسن تابنده یکی از آن رسیده است.»

مانع از آن نوع باروری متقابلی می‌شد که می‌توانست به پیشرفت سریع‌تر بینجامد.

در مقابل، مشخصه عصر صنعتی، وجود حلقه‌های بازخورد مثبت میان گزارش‌های و تجویزی، و افزایش ارتباط میان اهل نظر و اهل عمل است که به پیشرفت علمی و فنی پایدار انجامید. به نوشته ماکبر، چنین چرخه مطلوبی در روزگاران گذشته که مهندسی بدون مکانیک، آهن‌سازی بدون متالورژی، کشاورزی بدون شیمی آلی، و طبابت بدون میکروبیولوژی وجود داشت، ناممکن بود. او نتیجه می‌گیرد که محرک‌های اصلی انقلاب صنعتی، روشنگری صنعتی قرن هجدهم و انقلاب علمی قرن هفدهم بودند.

دگرگونی فرهنگی

چرا این دگرگونی‌های فناورانه و فکری، که چنین نقشی محوری در صنعتی‌شدن داشتند، در اروپا رخ دادند و نه در جایی دیگر؟ ماکبر در اقتصاد روشنگری (۲۰۰۹) این استدلال را پیش می‌کشد که ریشه‌های دیرین مدرنیته اقتصادی را نه در انباشت سرمایه، نه در برخورداری از منابع و نه در گشایش مسیرهای تجاری، بلکه باید در یک دگرگونی فرهنگی مبتنی بر خرد و کشف علمی جست‌وجو کرد. روشنگری اسکاتلند این ایده‌ها را القا کرد که طبیعت قابل شناختن و تسخیر است و می‌توان قوانین آن را از طریق پژوهش علمی روشن ساخت. همزمان، تکثیر انجمن‌های علمی، نشریات و شبکه‌های فکری غیررسمی، گسترش دانش عملی را تقویت کرد و میان علم والا و پیشه‌وری عامیانه پیوند برقرار کرد.

اختراع به این دلیل رخ نداد که اروپاییان خلاق‌تر از دیگران بودند. بلکه آنها چارچوبی نظام‌مند ساختند که به ایشان امکان می‌داد هم طبیعت را بفهمند و هم آن را برای مقاصد اقتصادی مهار کنند. چارچوب سیاسی بریتانیا امنیت و گشودگی را فراهم می‌کرد. این نظام، در قیاس با رژیم‌های قاره اروپا، نسبت به دیدگاه‌های مخالف بردبارتر بود، کمتر به سانسور دست می‌زد و از قانون ثبت اختراع و زیرساخت‌ها حمایت می‌کرد. مزایای آن، فوری یا به‌طور یکسان توزیع‌شده نبودند، اما این چشم‌انداز نوین نوآوری، پایدار از آب درآمد و بنیان‌های رشد مدرن را پی‌ریزی کرد.

انگلستان به تنهایی صنعتی نشد. بسیاری از نوآوری‌های دگرگون‌ساز که نیروبخش خیزش آن بودند، از قاره اروپا می‌آمدند. خود روش علمی، نخستین‌بار توسط گالیله صورت‌بندی شد و بسیاری از پیشرفت‌ها در ریاضیات، شیمی و فیزیک که بعدا در ماشین‌های صنعتی به کار رفتند، از فرانسه، آلمان و دیگر نقاط سرچشمه گرفتند. نکته مهم اما اینجاست که در محیط فرهنگی و نهادی بریتانیا بود که آن ایده‌ها در هم آمیختند و به یک موتور رشد واقعی بدل شدند.

شبکه‌های خلق و انتشار دانش

چرا چنین دگرگونی در اروپا ممکن شد؟ ماکبر در فرهنگ رشد (۲۰۱۶)، دو عنصر را برجسته می‌سازد.

نخست، ظهور شبکه‌های سراسری اروپایی برای خلق و انتشار دانش بود. از قرون وسطی، تاسیس دانشگاه‌ها نهادهایی نسبتاً منحصربه‌فرد را به اروپا بخشید که در نهایت، در پیشبرد توسعه فکری آن تخصصی یافتند. اگرچه این دانشگاه‌ها در ابتدا ریشه در مطالعه الهیات، حقوق و طبابت داشتند، اما به طور فزاینده‌ای توجه خود را به پیگیری و حفظ دانش گزارش‌های معطوف کردند و در این فرآیند، زبان لاتین را به عنوان زبان میانه‌ی تثبیت کردند.

اختراع ماشین چاپ نیز نیروی محرکه مضاعفی بود که هزینه‌های مدون‌سازی و به گردش درآوردن آن دانش را کاهش داد. این فرهنگ نوین گفت‌وگوی باز و اشتراک‌گذاری ایده‌های علمی، شاید به بهترین شکل در تبدلات پرشور جمهوری نامه‌ها تجسم یافت؛ یک جامعه حقیقتاً فراملی از دانشمندان و صنعتگران که راه را برای روشنگری هموار کرد. عصر دوم، پراکندگی سیاسی اروپا بود. این ویژگی، توانایی چهره‌های اقتدارگرا را برای سرکوب ایده‌هایی که ممکن بود قدرتشان را تهدید کنند، تضعیف می‌کرد. روشنفکران به‌راحتی می‌توانستند از مرزها عبور کنند و هرگاه فضا در مکانی خاص برای ایده‌هایشان نامساعد می‌شد، در جست‌وجوی حامی جدیدی می‌آیند.

اروپا همچنین از این شانس برخوردار بود که از منظر تراکم و تنوع نظام‌های سیاسی خود، در یک منطقه طلایی (حد بهینه) قرار گیرد. درحالی‌که یکپارچگی سفت و سخت سیاسی در چین، تغییرات فناورانه را سرکوب و حتی گاهی معکوس می‌کرد، پراکندگی شدید جهان اسلام پس از فروپاشی خلافت بغداد نیز مانع از بازسازی شبکه‌ای شد که بتواند به طور موثر دانشمندان و نوآوران را به هم متصل سازد. کتاب بنوری ماکبر، دو مسیر به سوی رفاه: فرهنگ و نهادها در اروپا و چین، ۱۰۰۰-۲۰۰۰ که مشترکاً با آون گرایف و گیدو تالیلینی نوشته شده، کاوش عمیق‌تری در این چشم‌انداز تطبیقی ارائه خواهد داد.

روشن ساختن مسیر صنعتی‌شدن و پیشرفت

می‌توان کارنامه علمی جوئل ماکبر را در مجموع، چنانا مسیری دید که تمام جنبه‌های مسیر تاریخی صنعتی‌شدن را روشن می‌سازد:این مسیر، از سنگ‌بناهای اولیه آن در حوزه نوآوری‌های ملموس و تأثیرات بخشی، تا نظریه‌ای فراگیر درباره زیربناهای فناورانه، فکری و فرهنگی آن را دربرمی‌گیرد. پیام او نیز به همان اندازه ژرف و نافذ است. پیشرفت اقتصادی وابستگی حیاتی به کاوش فکری باز، تبادل آزاد ایده‌ها و دفاع سرسخانه از اصول علمی دارد. جایزه نوبل، در زمانی که چنین اصولی به طور فزاینده‌ای مورد هجوم قرار گرفته‌اند، به ما یادآوری می‌کند که کنجکاوی، کنفرت‌گرایی و همکاری فکری، همان چیزهایی هستند که جوامع ثروتمند را پدید آوردند و عقب‌نشینی از آن‌ها، تمام مزایای رشد پایدار را به خطر می‌اندازد.

فراتر از نوشته‌هایش، ماکبر در نقش‌های گوناگونی به این حرفه خدمت کرده است، از جمله به عنوان رئیس انجمن تاریخ اقتصادی، در دانشگاه نورث‌وسترن، مرکز تاریخ اقتصادی که او یکی از مدیران بنیان‌گذار آن است، یک حوزه مطالعاتی اغلب نادیده گرفته‌شده را به ستونی پویا در حیات علمی بدل کرده است.

شاید عمیق‌ترین تأثیر جوئل از طریق بیش از ۶۰ دانشجوی دکتری او بوده باشد که بسیاری از آنها خود به رهبران فکری تبدیل شده‌اند. خبر جایزه نوبل، اول شادی وصف‌ناپذیری را برای ده‌ها تن از آنان که در سراسر جهان پراکنده‌اند.



سختاوت جوئل

نسبت به

دانشجویانش و

همچنین دوستان

و همکاران

دانشگاهی و

پژوهشگران

جوانی که آنان را

چون شاگردان

خود، حمایت

می‌کرد.



فیلسوف انقلاب صنعتی

📌 مر تفضی اکبری –متن پیش‌رو، یادداشتی به قلم ران آبرامیتز کی (استاد اقتصاد دانشگاه استنفورد) و مائور یسیو در لیچمن (استاد دانشکده اقتصاد و نکوور، دانشگاه بریتیش کلمبیا) است.

رشد اقتصادی مدرن، شبیه‌ترین پدیده به معجزه‌ای است که علم اقتصاد می‌تواند ارائه دهد. طی دو قرن گذشته، نوآوری‌هایی که استانداردهای زندگی را ارتقا دادند، میلیاردها نفر را از فقر رهانیدند. این نوآوری‌ها تله مالتوسی را شکستند؛ تله‌ای که هزاران سال عملاً تمام بشریت را در سطح معیشت حدقلی اسیر نگه داشته بود.

دینامیک‌های نهفته در گسترش پایدار درآمد سرانه، کانون توجه نظریه رشد درون‌زا است. این نظریه، توسط افرادی چون پل رومر، فیلیپ آگیون و پیتر هاویت، برندگان نوبل، توسعه‌یافته است. اما برای درک اینکه این دینامیک‌ها چگونه نخستین بار ظهور کردند و پا گرفتند، باید به سراغ آثار جوئل ماکبر رفت. او در سال ۲۰۲۵، مشترکاً با آگیون و هاویت، جایزه نوبل علوم اقتصادی را دریافت کرد (کمیته جایزه علوم اقتصاد به یاد آلرد نوبل ۲۰۲۵).

دگرگونی محوری در منشأ رشد مدرن، انقلاب صنعتی است و ماکبر را باید نظریه‌پرداز بی‌بدیل آن دانست. او در سیزده کتاب خود (که دو جلد دیگر نیز در دست انتشار است)، یک دانشنامه پنج جلدی و بیش از صد مقاله، درک ما را از تقریباً هر واقعیت و نظریه مرتبط با صنعتی‌شدن، از نو شکل داده است. دامنه کار او از مکانیک طراحی ماشین و فرآیندهای تولید تا نیروهای فکری و سیاسی که جوامع را یکسره دگرگون کردند، گسترده است.

سبک نوشتاری متمایز او، فضل و دانش ژرف را با چارچوب‌بندی نظری دقیق، به‌طرزی ماهرانه در هم می‌آمزد. تسلط او بر دایره واژگانی و بیانی فوق‌العاده گسترده، مهارتی است که برایش جایگاهی رفیع و احترامی کم‌نظیر، هم در میان مورخان و هم در میان اقتصاددانان، به ارمان آورده است.

ما دو تن از دانشجویان متعدد جوئل هستیم که به لطف شور و اشتیاق واگیردار او به تاریخ اقتصادی و سبک راهنمایی الهام‌بخش و سخاوتمندانه‌اش، به مورخان اقتصادی بدل شدیم. بی‌آنکه مدعی باشیم می‌توانیم حق مطلب را درباره کارنامه‌ای با این گستره و اثرگذاری ادا کنیم، در اینجا نقاط عطف کلیدی آن را مرور می‌کنیم.

انقلاب صنعتی

کمیته نوبل، سهم اصلی ماکبر را شناسایی پیش‌نیازهای رشد پایدار از طریق پیشرفت فناورانه خلاصه کرد. این دستاورد در یک اثر واحد محقق نشد، بلکه ماحصل روایتی تدریجی و موشکافانه از فرآیندهای پیرامون ظهور انقلاب صنعتی بود که در پنج کتاب اساسی متبلور شد.

این مسیر، مسلمان با اهرم ثروت (۱۹۹۰) آغاز می‌شود؛ کاوشی همه‌جانبه در زیر و بم فنی و مکانیکی تغییرات فناورانه. کتاب بر بینشی بنیادین استوار بود. فناوری اغلب فقط به صورت غیرمستقیم اندازه‌گیری می‌شد. روش شناسی رایج منابع رشد، تغییر فناورانه را یک جعبه سیاه می‌دانست و آن را به عنوان باقیمانده برآورد می‌کرد؛ یعنی آن بخش از رشد اقتصادی که با ورودی‌های فیزیکی مانند سرمایه و نیروی کار قابل توضیح نبود. ماکبر این جعبه سیاه را با رویکردی ایجابی گشود. و اختراعات بزرگ از یونان و روم باستان به بعد را ردیابی و نقش آنها را در تسهیل رشد ارزیابی کرد.

ماکبر بر پایه کالبدشکافی دقیق و شگفت‌انگیز اختراعات کلیدی عصر صنعتی،

اینفوگرافیک

پناهگاه امن چه ویژگی دارد؟

پناهگاه‌های واقعی معمولاً در ساختمان‌های مخصوص مانند پناهگاه‌های دولتی یا مؤسسات خصوصی یا دولتی قرار دارند، یک پناهگاه امن در حمله هوایی به لحاظ تخصصی ویژگی‌هایی مانند سامانه ارتباطی و اضطراری دارد، ولی زیرزمین‌ها و پارکینگ‌ها معمولاً بدون سامانه‌های اضطراری هستند

نورپردازی اضطراری	سامانه‌های اضطراری	ساختار تاب‌آور و ضد انفجار
سامانه‌های ارتباطی	سقف‌های قشرده	پوشش چندلایه و مقاوم در برابر انفجارهای شدید
تلفن و اینترنت	و مصالح ضد انفجار	
فضای جفرشده‌در لایه‌های‌مقاوم از نظرزمین‌شناختی	سامانه‌های تهویه و فشرده‌سازی هوا	سامانه‌های فیلتر و تنفس برای جلوگیری از ورود گازهای سمی و دود

امن ترین نقطه در آپارتمان‌های معمولی

مرکز ساختمان در وسط
زیرسقف
نزدیکی دیوارهای اصلی



● دلار ۹۳,۴۰۰ ● یورو ۱۰۸,۸۲۰ ● پوند ۱۲۵,۴۸۰ ● درهم ۲۵,۵۵۰ ● لیر ۲۰,۳۰۰ ● سکه ۸۵,۴۵۰,۰۰۰ ● سکه بهار آزادی ۷۶,۶۱۰,۰۰۰ ● نیم سکه ۴۵,۲۰۰,۰۰۰ ● ربع سکه ۲۶,۷۴۰,۰۰۰ ● سکه گرمی ۱۴,۸۰۰,۰۰۰ ● طلای ۱۸ عیار ۷,۵۹۰,۰۰۰ ● طلای ۲۴ عیار ۱۰,۱۰۰,۰۰۰ ●



نقشی بوده که در فیلم‌نامه نوشته شده و او را به یک دیو ِ باهوش‌ترین، کاربلدترین و بازیگرترین افرادی است که

و انسان خشن تبدیل می‌کرد.

این بازیگر سینما و تلویزیون در گفت‌وگویی که اخیرا است و دلیل این امر جایگاهی است که از مسیر دغذغه‌ها،

مهران احمدی، بازیگر نقش بهبود در سریال «پایتخت»، در فضای مجازی منتشر شده است درباره «پایتخت» و

درباره غیبتش در این سریال عنوان کرد که مساله اصلی‌اش همکاری با این سریال گفت: «محسن تابنده یکی از آن رسیده است.»

مانع از آن نوع باروری متقابلی می‌شد که می‌توانست به پیشرفت سریع‌تر بینجامد.

در مقابل، مشخصه عصر صنعتی، وجود حلقه‌های بازخورد مثبت میان گزارش‌های و تجویزی، و افزایش ارتباط میان اهل نظر و اهل عمل است که به پیشرفت علمی و فنی پایدار انجامید. به نوشته ماکبر، چنین چرخه مطلوبی در روزگاران گذشته که مهندسی بدون مکانیک، آهن‌سازی بدون متالورژی، کشاورزی بدون شیمی آلی، و طبابت بدون میکروبیولوژی وجود داشت، ناممکن بود. او نتیجه می‌گیرد که محرک‌های اصلی انقلاب صنعتی، روشنگری صنعتی قرن هجدهم و انقلاب علمی قرن هفدهم بودند.

دگرگونی فرهنگی

چرا این دگرگونی‌های فناورانه و فکری، که چنین نقشی محوری در صنعتی‌شدن داشتند، در اروپا رخ دادند و نه در جایی دیگر؟ ماکبر در اقتصاد روشنگری (۲۰۰۹) این استدلال را پیش می‌کشد که ریشه‌های دیرین مدرنیته اقتصادی را نه در انباشت سرمایه، نه در برخورداری از منابع و نه در گشایش مسیرهای تجاری، بلکه باید در یک دگرگونی فرهنگی مبتنی بر خرد و کشف علمی جست‌وجو کرد. روشنگری اسکاتلند این ایده‌ها را القا کرد که طبیعت قابل شناختن و تسخیر است و می‌توان قوانین آن را از طریق پژوهش علمی روشن ساخت. همزمان، تکثیر انجمن‌های علمی، نشریات و شبکه‌های فکری غیررسمی، گسترش دانش عملی را تقویت کرد و میان علم والا و پیشه‌وری عامیانه پیوند برقرار کرد.

اختراع به این دلیل رخ نداد که اروپاییان خلاق‌تر از دیگران بودند. بلکه آنها چارچوبی نظام‌مند ساختند که به ایشان امکان می‌داد هم طبیعت را بفهمند و هم آن را برای مقاصد اقتصادی مهار کنند. چارچوب سیاسی بریتانیا امنیت و گشودگی را فراهم می‌کرد. این نظام، در قیاس با رژیم‌های قاره اروپا، نسبت به دیدگاه‌های مخالف بردبارتر بود، کمتر به سانسور دست می‌زد و از قانون ثبت اختراع و زیرساخت‌ها حمایت می‌کرد. مزایای آن، فوری یا به‌طور یکسان توزیع‌شده نبودند، اما این چشم‌انداز نوین نوآوری، پایدار از آب درآمد و بنیان‌های رشد مدرن را پی‌ریزی کرد.

انگلستان به تنهایی صنعتی نشد. بسیاری از نوآوری‌های دگرگون‌ساز که نیروبخش خیزش آن بودند، از قاره اروپا می‌آمدند. خود روش علمی، نخستین‌بار توسط گالیله صورت‌بندی شد و بسیاری از پیشرفت‌ها در ریاضیات، شیمی و فیزیک که بعدا در ماشین‌های صنعتی به کار رفتند، از فرانسه، آلمان و دیگر نقاط سرچشمه گرفتند. نکته مهم اما اینجاست که در محیط فرهنگی و نهادی بریتانیا بود که آن ایده‌ها در هم آمیختند و به یک موتور رشد واقعی بدل شدند.

شبکه‌های خلق و انتشار دانش

چرا چنین دگرگونی در اروپا ممکن شد؟ ماکبر در فرهنگ رشد (۲۰۱۶)، دو عنصر را برجسته می‌سازد.

نخست، ظهور شبکه‌های سراسری اروپایی برای خلق و انتشار دانش بود. از قرون وسطی، تاسیس دانشگاه‌ها نهادهایی نسبتاً منحصربه‌فرد را به اروپا بخشید که در نهایت، در پیشبرد توسعه فکری آن تخصصی یافتند. اگرچه این دانشگاه‌ها در ابتدا ریشه در مطالعه الهیات، حقوق و طبابت داشتند، اما به طور فزاینده‌ای توجه خود را به پیگیری و حفظ دانش گزارش‌های معطوف کردند و در این فرآیند، زبان لاتین را به عنوان زبان میانه‌ی تثبیت کردند.

اختراع ماشین چاپ نیز نیروی محرکه مضاعفی بود که هزینه‌های مدون‌سازی و به گردش درآوردن آن دانش را کاهش داد. این فرهنگ نوین گفت‌وگوی باز و اشتراک‌گذاری ایده‌های علمی، شاید به بهترین شکل در تبدلات پرشور جمهوری نامه‌ها تجسم یافت؛ یک جامعه حقیقتاً فراملی از دانشمندان و صنعتگران که راه را برای روشنگری هموار کرد. عصر دوم، پراکندگی سیاسی اروپا بود. این ویژگی، توانایی چهره‌های اقتدارگرا را برای سرکوب ایده‌هایی که ممکن بود قدرتشان را تهدید کنند، تضعیف می‌کرد. روشنفکران به‌راحتی می‌توانستند از مرزها عبور کنند و هرگاه فضا در مکانی خاص برای ایده‌هایشان نامساعد می‌شد، در جست‌وجوی حامی جدیدی می‌آیند.

اروپا همچنین از این شانس برخوردار بود که از منظر تراکم و تنوع نظام‌های سیاسی خود، در یک منطقه طلایی (حد بهینه) قرار گیرد. درحالی‌که یکپارچگی سفت و سخت سیاسی در چین، تغییرات فناورانه را سرکوب و حتی گاهی معکوس می‌کرد، پراکندگی شدید جهان اسلام پس از فروپاشی خلافت بغداد نیز مانع از بازسازی شبکه‌ای شد که بتواند به طور موثر دانشمندان و نوآوران را به هم متصل سازد. کتاب بنوری ماکبر، دو مسیر به سوی رفاه: فرهنگ و نهادها در اروپا و چین، ۱۰۰۰-۲۰۰۰ که مشترکاً با آون گرایف و گیدو تالیلینی نوشته شده، کاوش عمیق‌تری در این چشم‌انداز تطبیقی ارائه خواهد داد.

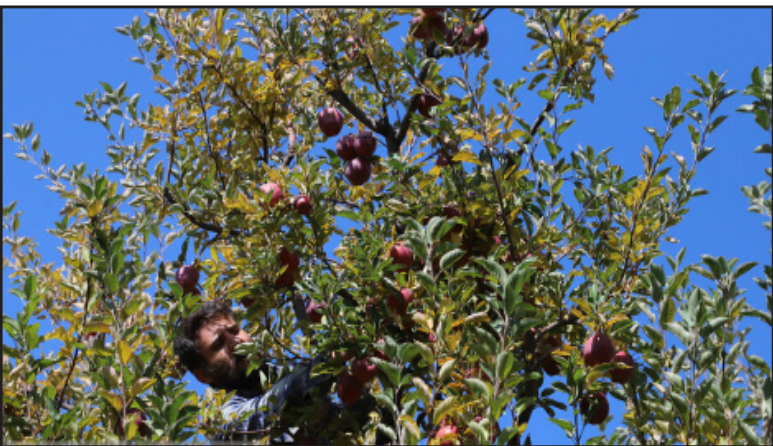
روشن ساختن مسیر صنعتی‌شدن و پیشرفت

می‌توان کارنامه علمی جوئل ماکبر را در مجموع، چنانا مسیری دید که تمام جنبه‌های مسیر تاریخی صنعتی‌شدن را روشن می‌سازد:این مسیر، از سنگ‌بناهای اولیه آن در حوزه نوآوری‌های ملموس و تأثیرات بخشی، تا نظریه‌ای فراگیر درباره زیربناهای فناورانه، فکری و فرهنگی آن را دربرمی‌گیرد. پیام او نیز به همان اندازه ژرف و نافذ است. پیشرفت اقتصادی وابستگی حیاتی به کاوش فکری باز، تبادل آزاد ایده‌ها و دفاع سرسخانه از اصول علمی دارد. جایزه نوبل، در زمانی که چنین اصولی به طور فزاینده‌ای مورد هجوم قرار گرفته‌اند، به ما یادآوری می‌کند که کنجکاوی، کنفرت‌گرایی و همکاری فکری، همان چیزهایی هستند که جوامع ثروتمند را پدید آوردند و عقب‌نشینی از آن‌ها، تمام مزایای رشد پایدار را به خطر می‌اندازد.

فراتر از نوشته‌هایش، ماکبر در نقش‌های گوناگونی به این حرفه خدمت کرده است، از جمله به عنوان رئیس انجمن تاریخ اقتصادی، در دانشگاه نورث‌وسترن، مرکز تاریخ اقتصادی که او یکی از مدیران بنیان‌گذار آن است، یک حوزه مطالعاتی اغلب نادیده گرفته‌شده را به ستونی پویا در حیات علمی بدل کرده است.

شاید عمیق‌ترین تأثیر جوئل از طریق بیش از ۶۰ دانشجوی دکتری او بوده باشد که بسیاری از آنها خود به رهبران فکری تبدیل شده‌اند. خبر جایزه نوبل، اول شادی وصف‌ناپذیری را برای ده‌ها تن از آنان که در سراسر جهان پراکنده‌اند.

عکس نوشت



کارتون



منسخه ایرانی تئاترهای معروف لندن

نمایش موزیکال «الیور تویست» به

کارگردانی حسین پارسایی میزبان بیش از ۷۰هزار مخاطب شد تا یک بار دیگر این نکته به اثبات برسد که مردم حتی در شرایط سخت اقتصادی هم حاضرند به نمایشی یک اثر موفق بنشینند. اجرای چندباره این نمایش در ایران

یادآور اجراهای تاریخی چند نمایش مشهور

در دنیاست.

«تله موش» اثر معمایی و مهم آگاتا کریستی که به‌عنوان پراجراترین نمایش‌نامه جهان شناخته می‌شود، بیش از ۷۰ سال است که هر شب در لندن روی صحنه می‌رود و از آن به عنوان یکی از جاذبه‌های مهم لندن نام می‌برند و گردشگران سعی می‌کنند تا آنجا که مقدور است نمایش موزیکال «بینوایان» نوشته ویکتور

هوگو هم از آن دسته کارهایی است که چند دهه است در حال اجراست و همچنان مخاطبان زیادی را جذب می‌کند. این نمایش قرار است چهلمین سال اجرایش در «هوست اند» را در روزهای آینده جشن بگیرد.

همچنین نمایش موزیکال «شیخ ایرا» سال ۱۹۸۶ در وست‌اند روی صحنه رفت و در سال ۱۹۸۸ در تاتنتر برادوی به اجرا درآمد و رکورد طولانی‌ترین زمان روی صحنه بودن در برادوی را به خود اختصاص داده است.

حالا بعد از سال‌ها به نظر می‌رسد در ایران هم اتفاقات فرهنگی مهمی افتاده که می‌تواند چنین وضعیتی را در تئاتر به وجود بیاورد و مثلاً شهرهای گردشگرپذیر هم هویت فرهنگی خاص قایل کنند. هرچند این مساله به سازوکار و تبلیغ مناسب توجه نیاز دارد اما امکان وقوع آن دور از تصور نیست. در سال‌های اخیر با توسعه سالن‌های خصوصی در ایران تئاتر دوران جدیدی را آغاز کرد و روزانه آثار زیادی در تهران و سایر شهرستان‌ها روی صحنه می‌روند که در این میان برخی با اقبال روبه‌رو می‌شوند و برخی نیز در گیشه شکست می‌خورند.

در این وضعیت برخی نمایش‌ها در سالن‌های مختلف اجرا شده‌اند و هر بار هم توانسته‌اند در جذب مخاطب موفق عمل کنند. «الیور تویست» یکی از همان‌هاست و شاید بتوان از آن به عنوان نسخه ایرانی نمایش‌هایی همچون «شیخ ایرا» و «بینوایان» یاد کرد.

رمان مطرح چارلز دیکنز از زمان نگارش تاکنون بارها و بارها مرجع اقتباس آثار نمایشی بوده است. از زمانی که سینما وجود خارجی نداشت در نمایش‌ها همیشه پای ثابت قصه‌های محبوب بود تا بعدتر که سینما آمد و در این مدوم هم بارها ساخته شد و مورد اقبال تماشاگران قرار گرفت. اتفاق جالب، اما زمانی رخ داد که دوازده سال پس از «الیور تویست» مشهور به کارگردانی دیوید لین، آنگستاز شیرر انگلیسی که دستی بر قلم داشت تصمیم گرفت نسخه موزیکالی از اثر جوادانه دیکنز آماده کند و به این ترتیب لیونل بارث در سال ۱۹۶۰ نسخه موزیکال «الیور تویست» را ارائه داد و نام آن را «الیور» گذاشت. هشت سال پس از انتشار این اثر رکورد بارث بر اساس نسخه و با همین نام قبلمی موزیکال شناخت که در اسکاژر آن سال هم مورد توجه قرار گرفت.

حسین پارسایی برای اولین تجربه موزیکالش در تئاتر همین فیلم «الیور» را منبع قرار داد و به این ترتیب برگردان موزیکال بارت از شاهکار دیکنز با بازی ستاره‌ها را با تمرین‌های طولانی در سال ۱۳۹۶ روی سن تالار وحدت برد که با اقبال گسترده روبه‌رو شد و سپس چند بار دیگر هم در این سال‌ها به اجرا درآمد.

حالا این نمایش با بازتولید کامل و بازطراحی نوین بخش‌های مختلف و دراماتورژی محمدرضا کوهستانی روی صحنه رفته و هزاران مخاطب را ظرف چند روز برای تماشا راهی باشگاه انقلاب کرده است. گروه تولید و کارگردانی این اثر اعلام کرده‌اند این نسخه درحالی‌که وفادار به متن اصلی و ترتیب نمایشی سال ۱۲۹۶ باقی ماند، ولی در نمایش‌نامه و چند ترانه با تأکید بر دغذغه‌ها و نابرابری‌های اجتماعی و واقعیت‌های تلخ زندگی انسان تغییرات جزئی داشته و از نظر طراحی‌های هنری تفاوت‌های چشم‌گیری با اجرای پیشین دارد.

براساس گزارش‌ها این نمایش در هفته‌های اخیر روزانه میزبان حدود ۶هزار مخاطب است و به دلیل استقبال مخاطبان برای روزهای ۲۱، ۲۲ و ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۴ تمدید هم شده است. آنچه در این نمایش مورد استقبال قرار گرفته بداهه‌گویی‌های هونن شبکیا در نقش شخصیت «فاگین» است و انتشار بخشی از این ویدئوها در فضای مجازی موج بزرگی راه انداخته است. این بازیگر در بخش‌هایی از نمایش با تذکر ممنوع بودن تصویربرداری از نمایش، به صورتی طنزآمیز بر برخی تماشاگران معاشرت‌هایی دارد که به شکلی عجیب، در فضای مجازی پربیننده شده است.

هونن شبکیا، بهنوش طباطبایی، بانیپال شومون، امیرکاوه آهین‌چیان، با حضور سیامک انصاری و کاظم سیاحی ایفاگر نقش‌های اصلی این نمایش هستند.

مراسم رونمایی

از گزارش سالانه

نفذ حقوق بشر در

آمریکا و انگلیس